

## سوء استفاده از اختیارات یا مشاغل در حقوق تجارت (قسمت اول)

### مقدمه

سوء استفاده از اختیارات یا مشاغل *Abus de pruvoirs ou de fonction* تا کنون در حقوق تجارت کشورهای مختلف بطور مشروح مورد مطالعه قرار نگرفته است از طرفی زندگی تجاری نشان داده است که اشخاصی مانند نماینده تجاری (۲) *Agent commercial* قائم مقام تجاری (۳) *Representant de commerce* تاجر حق العمل کار (۴) *commissionnaire* تاجر دلال (۵) *courtier* و مدیران در شرکتهای سهامی و غیر سهامی *gerants \_ ad inistrateurs* ماموریت دارند که منابع دیگران را حفظ و اداره نمایند و گاهی اتفاق می افتد که بعضی از این اشخاص اختیارات تفویض شده را با تغییر هدف مورد نظر به نفع شخصی بکار برند.

سوء استفاده از اختیارات در حقوق شرکتهای مورد توجه بیشتر قرار گرفته است زیرا مدیران و سایر اعضای شرکتهای از اختیارات وسیعی در اجرای مشاغل خود برخوردارند که این امر بلحاظ سوء استفاده خطرناک بوده و ممکن است موجب ضرر اشخاص متعدد گردد بنابراین این علاوه بر حفاظت شرکت در مقابل چنین خطری حمایت از حقوق اشخاص ثالث هم ضروری است (۶) قوانین اغلب کشورهای تعریفی از سوء استفاده از اختیارات و مشاغل

نموده اند ولی علماء حقوق و رویه قضائی مصادیق و عناصر تشکیل دهنده آنرا مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند.

(۱) انجمن هانری کاپیتان که از دوستان فرهنگ حقوق فرانسه تشکیل شده است در کنگره سال ۱۹۷۷ که از ۱۶ تا ۲۱ مه ۲۶ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۶) در آتن دسالونیک یونان تشکیل شد و موضوع مهم حقوقی تحت عنوان سوء استفاده از اختیارات یا مشاغل مورد مطالعه حقوقدانان کشورهای مختلف قرار گرفته بود که ما گزارشهای عمومی در مورد حقوق تجارت را بشرح فوق بکمک منابع دیگر مورد مطالعه قرار داده و سپس آنها را با حقوق تجارت ایران مقایسه مینمائیم.

(۲) نماینده تجاری عبارت از واسطه تجاری است که بعنوان وکیل حرفه ای مستقل و بدون اینکه مرتبط بقرار داد کار باشد پس از مذاکره قراردادهای را بنام و بحساب تجار منعقد مینماید

)Guillien(R) et VINCENT (j) , lexeque de termes iuridiques D.

1977 .p .18

(۳) قائم مقام تجاری واسطه ایست که بطور دائم برای یک یا چند نفر بحساب آنان جلب مستری کرده و قرارداد فروش تنظیم مینماید بدون اینکه شخصاً در اینمورد تعدی کرده و قرارداد فروش تنظیم مینماید بدون اینکه شخصاً در اینمورد تعهدی داشته باشد.

Guilline et VINCENT(J) . op . cit . p . 302)

۴) حق العمل کار \_ تاجری است که عملیات تجاری را بنام خود و بحساب تاجر دیگر انجام میدهد.

۵) دلال \_ تاجری است که انجام معامله و انعقاد قرارداد را بین دو یا چند نفر تسهیل می نماید.

## بخش اول

### مصادیق و عناصر تشکیل دهنده سوء استفاده از اختیارات

#### الف \_ حقوق فرانسه

پرفسور کاله \_ اولوی فرانسه برای تعریف سوء استفاده از اختیارات دو نمونه ارائه میدهد:

اولین نمونه سوء استفاده از اختیارات در یک شرکت که در قلمرو حقوق جز است (۷)

عبارت از سوء استفاده ایست که وسیله اعضاء شرکت مانند مدیران, هیئت مدیره رئیس

هیئت مدیره و هیئت مراقبت که اختیارات لازم از شرکاء یا سهامداران کسب نموده اند,

صورت میگیرد (۸). دومین نمونه سوء استفاده از اختیارات که سبب صدور آراء متعددی

گردیده, (۹) تحت عنوان سوء استفاده اکثریت (Abus de majorite) شناخته شده

است. بنظر میرسد ذکر دو نمونه مذکور برای تعریف سوء استفاده و عناصر تشکیل دهنده

آن مورد توجه قرار گیرد.

## ب) حقوق سویس

پرفسور رولادن رودن (Roland Ruedin) سویسی در بحث قرار داده و اصل استقلالی

موجب انحراف از هدف مورد نظر قانونگذار میگردد لذا اصل استقلال حقوقی مذکور را

در مواردیکه شرکت سهامدار واحد داشته باشد بطور نسبی قبول می کند زیرا سهامدار

ممکن است با تغییر هدف، خود را در پوشش شخصیت حقوقی مخفی نماید (۱۰).

در نظریه فوق اساسی قراردادی بودن شرکت سهامی مورد تردید قرار گرفته و بطور

محدود بر رابطه سهامدار و شرکت و داشتن هدف انحرافی اشاره شده است در مقام مقایسه

با قاعده سوء استفاده از حق (Abus de droit) که در قانون مدنی مفاهیم روشنی داشته

و به حسن نیت یا اخلاق حسنه توجه دارد مشخص میشود که مفاهیم روشنی داشته و به

حسن نیت یا اخلاق حسنه توجه دارد مشخص میشود که مفاهیم ذهنی اخیر قلمرو وسعتی

از سوء استفاده از اختیارات (Ar us de pounoirs) دارد و نتیجه عملی چنین طرز

فکری در تقسیم بار دلیل در سوء استفاده از اختیارات، بین سهامدار اقلیت (در اثبات عدم

رعایت تساوی) و شرکت (در اثبات غیر قابل انطباق بودن عدم رعایت تساوی با سوء

استفاده از اختیارات) ظاهر میگردد.

## ج\_ حقوق هلند

برفسور ژ. وان. ولیه (J. Van vi vi iet) بطور کلی اساس قراردادی بودن شرکت سهامی و شرکت با مسئولیت محدود را در میکند و در تأیید نظریه پرفسور گرتون Grinton موقعیت سهامداران را با یکدیگر تابع قواعد حسن نیت عینی و نوعی Regles

(de bonne fol objective) میداند که میبایستی جوابگوی الزامات عقل و انصاف

باشد (۱). بطوریکه ملاحظه میشود، قلمرو سوء استفاده از اختیارات محدود به رعایت

قواعد حسن نیت عینی و عقل و انصاف گردیده است و در واقع قصد اضرار (L

intention de nuire) و یا سایر اعمال ناشی از خطا (Faute) مورد توجه قرار نگرفته

است. بنظر میرسد مفاهیم حسن نیت عینی و عقل و انصاف قابل بحث بوده و میبایستی

رویه قضائی حدنود و مصادیق آنرا تعیین نماید و در اینجا این سوال مطرح میشود که آیا

حقوق هلند شکل خاصی به سوء استفاده از اختیارات داده و آنرا نوعی از سوء استفاده از

حق دانسته است؟

## د \_ حقوق لوگز امبورک

پرفسور فابری فمّن نوئن در سوء استفاده از اختیارات یا مشاغل دو اصل نیت la bonne

foi و نفع شرکت (L interet social) را مورد توجه قرار داده اند بعبارت دیگر هر

شرکتی بایستی کلیه تصمیمات خود را با در نظر گرفتن منافع شرکت اتخاذ نماید (۱۲).

بدین ترتیب در صورتیکه تصمیمات متخذه بر مبنای شخصی باشد سوء استفاده از اختیارات

محسوب خواهد شد. میتوان گفت که در اینجا سوء استفاده از اختیارات در بسیاری از

جهات قابل قیاس با تئوری کلی سوء استفاده از حق میباشد.

## هـ \_ حقوق یونان

در حقوق یونان، قاعده کلی در مورد سوء استفاده از حق در قانون مدنی وجود دارد که میگوید: چنانچه اجرای حقی از حدود معینه ای که وسیله حسن نیت، اخلاق حسنه *bonnes moeurs* هدف شرکت یا هدف اقتصادی برای همان حق تعیین شده تجاوز نماید ممنوع میباشد.

قلمرو قاعده مذکور بسیار وسیع بوده و نه تنها شامل کلیه موارد حقوق خصوصی و حقوق تجارت میشود بلکه بعضی از نکات حقوق عمومی را هم در بر میگیرد (۱۳).

## و \_ حقوق بلژیک (۱۴)

حقوقدانان بلژیک بین مفاهیم سوء استفاده از اختیارات و تجاوز از اختیارات (*l'excès de pouvoirs*) از یکطرف و بین و سوء استفاده از اختیارات و سوء استفاده از حق از طرف دیگر *l'abus de pouvoir* وجه تمایز قائل شده اند.

سوء استفاده از اختیارات در اصل وجود اختیار رسمی را فرض مینماید در حالیکه در تجاوز از اختیارات شخص دارای شغل خاصی است ولی خارج از اختیار خود عمل میکند. سابقاً تئوری سوء استفاده از حق در حقوق بلژیک قلمرو وسیعی داشته و مفهوم آن اساساً ذهنی و شخصی (*subjectif*) بوده است. کسی که از حق خودش سوء استفاده میکرده قصد اضرار دیگران را داشته و در واقع مرتکب خطای جرمی (*faute delictuelle*)

میشده و در صورت وجود رابطه، ممکن بود مطابق مواد پیش بینی شده در قانون مدنی محکوم گردد. این نظریه در دکترین بلژیک متروک گردیده است و هرگاه فردی بدون هرگونه قصد اضرار به دیگران از حق خود سوء استفاده نماید دارای مسئولیت شبه جرمی است. *Quasi delictuelle* دیوان عدالی کشور بلژیک، عمل ملک مغازه ای را که بدون سوء نیت، تابلوی نورانی تهیه و نصب نموده بنحویکه مانع رویت تابلوی همسایه مجاور گردیده بود، نامشروع تشخیص داده و او را بر طبق ماده ۱۳۸۲ به حذف تابلو محکوم نموده است (رای ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۷).

در مورد مذکور بنظر کانزوف، (*Ganshof*) دادستان پرونده، کسی که از حقی استفاده میکند باید بوضع کسی که آثار اجرائی آنرا تحمل میکند توجه نماید. بهر حال حقی که بزبان دیگری بکار میرود چنانچه نفع قابل توجهی برای صاحب حق نداشته باشد در واقع حقی وجود نخواهد داشت بدینترتیب حقوقدانان بلژیکی به سوء استفاده از حق مفهوم عینی داده اند ولی نظریه مخالف هم در اینمورد وجود دارد.

اما در مورد سوء استفاده از اختیارات بایستی قصد دیگری غیر از هدفی با قصد متقلبانه (*Intention malicieuse*) تفاوت دارد.



سوء استفاده از اختیارات عبارت از استفاده از اختیار به منظوری غیر از آنچه که بخاطر آن اختیار تفویض شده است. در اینجا عنصر قصد بدون سوء نیت مورد لزوم بوده و دارنده اختیار باید قصد انتخاب این هدف خارجی را داشته باشد. (۱۵).

## ز\_ حقوق ایران

در حقوق تجارت ایران تعریضی از سوء استفاده از اختیارات نشده است ولی به سبب ارتباطی که حقوق تجارت با حقوق مدنی دارد می‌توان آنرا با قاعده کلی سوء استفاده از حق در بعضی جهات قابل قیاس دانست (۱۶).

سوء استفاده از حق در اصلاح حقیقی چنین تعریف شده است ((بکار بردن، حق، خواه بطور مادی و خواه در ضمن یک عمل حقوقی بضرر غیر که شایعاً بعنوان استفاده از حق مشروع بکار میرود ولی صاحب آن حق بقصد اضرار بغير حق خود را بکار می برد. این اصطلاح مخصوص حقوق جدید ایران است ولی این بحث در فقه در قاعده ((لاضرر)) و در قانون مدنی در ماده ۱۳۲ مطرح شده است)) (۱۷) در تعریف بالا ( استفاده از حق مشروع) را می‌توان مترادف با حق قانونی دانست و نه به تعبیر حقوق اروپائی که مفهومی موسع تر از آن دارد. و اما کلمه (( قصد اضرار بغير)) با توجه برویه قضائی نوین در حقوق کشورهای مختلف بطوریکه اشاره شده در بحث تفصیلی نیز خواهیم دید از مصادیق سوء استفاده از حق محسوب نمیشود در مورد قاعده لا ضرر (۱۸) که ماده ۱۳۲ قانون مدنی

مطرح شده فقط قسمتی از ماده مذکور را میتوان با سوء استفاده از اختیارات قابل قیاس دانست زیرا ماده مزبور میگوید کسی نمیتواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که بقدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر باشد.

قسمت اول ماده که مقرر میدارد کسی نمیتواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود... مسئولیت با تقصیر است (۱۸) ولی تقصیر که مبنای آن زیان است ممکن است عمل عمدی (acte intentionnelle) و یا غیر عمدی (acte non intentionnel) که در حالت اول تقصیر جرمی *faute delictuelle* و در حالت دوم

تقصیر شبه جرمی *faute quasi delictuelle* گفته میشود در سوء استفاده از حق اصولاً ماهیت قضائی تقصیر مورد بحث علماء حقوق کشورهای مختلف قرار گرفته (۱۹) و سوء استفاده از حق وقتی تحقق پیدا میکند که شخص قصد اضرار بدیگران داشته باشد پرفسور و پاژ (De page) از این سیستم دفاع کرده معتقد بود که (سوء استفاده از حق بیشتر برای تضرر دیگران است تا استفاده خود شخصی) (۲۰) ولی این نظریه شدیداً مورد

انتقاد قرار گرفته و امروزه از طرف علماء حقوق مطرود شده است. بنظر علمای معاصر کسی که با قصد اضرار بدیگران مرتکب تقصیر جرمی شود بنحوی از انحاء از حق خود تجاوز کرده و در صورت برقراری رابطه سببیت باید بر طبق موارد پیش بینی شده در قانون مدنی محکوم گردد و اما سوء استفاده از حق مستلزم مسئولیت شبه جرمی است که در خارج از هر گونه قصد اضرار یابی احتیاطی و یا عدم توجه بعواقب اجرای حق صورت

میگیرد. بنابراین تقصیر در حقوق مدنی ایران اعم است از تعدی و یا تفریط ( ماده ۹۵۳ ق.م) ماده اخیر در مقام بیان تقصیر عمدی است اما ماده ۳۲۸ قانون مدنی از نظریه علیت صحبت میکند و نه تقصیر میگوید: (( هر کسی مال غیر را تلف کند ضامن آنست و باید مثل یا قیما آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا دون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص آن مال است)) که نقش عمل زیان آر با وجود سه شرط: ضرر، عمل علیت بین ضرر و عامل موجب مسئولیت است (۲۱). منظور از تعدی تجاوز از حدود اذن یا متعارف است نسبت بمال یا حق دیگری ولی تفریط عبارتست از ترک عملی که بموجب قرارداد با عرف برای حفظ مال غیر لازم است ( مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ ق.م) و ماده ۳۳۵ قانون مدنی تقصیر غیر عمدی را نیز بیان مینماید و بالاخره قانون مسئولیت مدنی ایران مصوبه ۱۳۳۹ تقصیر را به عمد\_ بی احتیاطی تقسیم مینماید (۲۲). تضرر مندرج در ماده ۱۳۲ ق.م ممکن است با حسن نیت صورت گیرد در اینصورت باز مورد از مصادیق سوء استفاده از حق محسوب و عامل مکلف به جبران خسارت مییابد.

قسمت دم ماده میگوید ((... مگر تصرفی که بقدر متعارف و برای رفع حاجت وی ارفع ضرر باشد)) این قسمت از نظر تئوری جدید سوء استفاده از حق حائز اهمیت است زیرا تصرف بایستی باند از ایکه عرف یا قانون معین مینماید باشد و بعلاوه صاحب حق نفع قابل توجه از اعمال حق خود داشته باشد (۲۲ مکرر).

بطور کلی میتوان ماده ۱۳۲ را با در نظر گرفتن تئوریهای جدید چنین تفسیر نمود: اگر

کسی در حدود قانون یا عرف در ملک خود تصرفی نماید بنحویکه موجب تضرر همسایه

شود بایستی این تصرف با حسن نیت بوده و تصرفی برای صاحب حق نفع قابل توجه

داشته باشد و در غیر اینصورت از حق خود سوء استفاده نموده است پس شرایط لازم برای

سوء استفاده از حق عبارتند از:

۱\_ داشتن حسن نیت در اعمال حق قانونی (عنصر عینی)

۲\_ داشتن نفع قابل توجه اعمال حق قانونی (عنصر عینی)

۳\_ وجود ضرر (عنصر عینی)

اما در سوء استفاده از اختیارات دارنده حق از اختیارات به منظوری از آنچه که علت

وجودی اختیار بوده استفاده مینماید. بدینترتیب دارنده حق چنین هدف خارجی را انتخاب

کرده اما بدون اینکه سوء نیت داشته باشد. در چنین تعریفی از مفاهیم ذهنی تقصیر پرهیز

شده است. جهات اشتراک تجاوز از حق و سوء استفاده از اختیار وجود تضرر و داشتن

حسن نیت است ولی وجوه افتراق آنها قصد انتخاب هدف خارجی است که عنصر اصلی

سوء استفاده از اختیارات را تشکیل میدهد که در سوء استفاده از حق وجود ندارد و

بعلاوه کلمه حق غیر صریح و سوء استفاده از حق را به تمام امتیازات حقوقی از قبیل:

آزادی بیان \_ آزادی تجارت و صنعت (رقابت غیر قانونی) تسری میدهد.

۱۶) سوء استفاده از حق یا (Abus de droit) را بعضی از استادان حقوق ایران، تجاوز از حق ترجمه فرموده اند.

۱۷) استاد دکتر جعفری لنگرودی (محمد جعفر): ترمینولوژی حقوقی شماره ۲۹۵۱ چاپ ابن سینا تهران ۱۳۴۶.

۱۸) درباره قاعده لاضرر در موثقه زده از ابی جعفر (امام محمد باقر علیه السلام) آمده که سمره فرزند جندب در حیاط یکی از انصار درخت حرمانی داشت که بدون اجازه انصاری به درخت مذکور مرور میکرد انصاری بر رسول خدا اصلی الله علیه و آله و سلم

شکایت کرد، و سپس رسول خدا سمره را احضار و از او خواست که بهنگام سرکشی بدرخت خود از انصاری اجازه بگیرد ولی سمره قبول نکرد در این هنگام پیامبر اسلام با او معامله پولی فرمودند ولی باز سمره خودداری کرد و حتی حضرت درختی در بهشت برای سمره ضامن شدند باز او نپذیرفت بالاخره پیغمبر اکرم به مرد انصاری فرمود تو و نه اصرار است به سمره لاضرر و لاضرار فی الاسلام از مکاسب شیخ مرتضی انصاری در رساله فی

قاعده نفی الضرر صفحه ۳۷۲ به بعد چاپ تبریز ۱۳۷۵ هـ.ق)

۱۸ مکرر) استاد دکتر امیری قائم مقامی (عبدالمجید)، حقوق تعهدات قانونی مدنی چاپ دانشگاه تهران بشماره ۱۴۷۵ چاپ دوم صفحه ۱۹۰ به بعد.

۲۱) استاد دکتر امامی (سید حسن) \_ نشریه دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران , شماره

سوم نظریه تقصیر صفحه ۱۰ به بعد

۲۲) استاد دکتر کاتوزیان (ناصر) عقود معین جلد اول چاپ دانشگاه شماره های ۱۸۲ و

۲۴۱ استاد دکتر امیری قائم مقامی (عبدالمجید), حقوق تعهدات ماخذ اشاره شده صفحه

۱۸۷ به بعد.

۲۲ مکرر) علامه حلی در کتاب تذکره و شهید در کتاب دروس , در نفی ضرر بر عموم

الناس مسلطون علی اموالهم تصرفی را قید کرده اند که مخالف عادت نباشد و همچنین

محقق ثانی جواز با اضرار بغير را منوط به حاجت شدید دانسته است. و علماء شیعه بطور

قطع گفته اند: کسی که آتش بیش از احتیارج بر افروزد با تصور اینکه ممکنست آتش به

همسایه ها سرایت کند ضامن ضرر همسایگان میشود و چه بسا مبنای ضمانت بر تعدی

عرفی باشد و اما اضرار برای جلب منفعت باشد بر حسب ظاهر مشهور جواز است ولی

مکروه میباشد (نقل از مکاسب شیخ مرتضی انصاری, ماخذ یاد شده صفحه ۳۷۵)

بخش دوم

حفاظت شرکت در مقابل سوء استفاده از اختیارات یا مشاغل

الف \_ حقوق فرانسه

وقتی یکی از اعضاء شرکت، از اختیارات خود بمنظوری یا در جهتی غیر از منافع شرکت سوء استفاده نماید در نتیجه آن شرکت که شامل سهامداران یا شرکاء میباشد ممکن است متضرر شود. حقوق در برابر چنین خطری دو نوع عکس العمل نشان میدهد بدینترتیب که

ابتدا سعی میکند از سوء استفاده پیش گیری نماید و سپس در صورت تحقق آن ضمانت اجرائی آنرا تعیین کند:

### اولاً \_ اقدامات تامینی.

بعضی از مقررات راجع بانتخاب اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل (۲۳) بمنظور جلوگیری

از تجاوز از اختیارات تنظیم گردیده است بنابراین اشخاصی که محکومیت جزائی تحت عنوان تجاوز باموال دیگران پیدا کرده و یا شخصاً ورشکسته شده اند (۲۴) نمیتوانند مشاغل مذکور را در شرکتهای انتخاب نمایند (۲۵).

همچنین برای جلوگیری از تجاوز از اختیارات رعایت بعضی مقررات مربوط به طرز عمل (Regle de conduite) برای مدیران لازم الاتباع میباشد مثلاً مدیر شرکت مکلف

است قبل از امضاء قرارداد با شرکت یا اشخاصی دیگر، موافقت هیئت مدیره را کسب نموده و بعداً قرارداد مورد نظر را بتصویب مجمع عمومی برساند (۲۶) و یا اینکه مدیر شرکت نمیتواند قرض و اعتبار دیگری را بنام شرکت اخذ نماید (۲۷) و سهام آنان را در شرکت باید اسمی باشد و یا سهام خود را نزد موسسه مالی بگذارد زیرا در غیر اینصورت



مدیران شرکتهای ممکن است با اطلاعاتی که از امور شرکت دارند روی سهام بضرر سهامداران دیگر سودجویی نمایند (۲۸).

از سال ۱۹۷۰ باینطرف، کنترل رعایت مقررات مذکور بعهدہ کمیسیون عملیات بورس گذاشته شده است که مقر آن در پاریس میباشد (۲۹).

بالاخره سوء استفاده ممکن است بهنگام تصفیه اموال شرکت صورت گیرد بنابراین قانون انتقال دارائی شرکتهای را بمدیران سابق شرکت فقط با نظر دادگاه تجاری تجویز مینماید و ضمناً انتقال اموال شرکت به مدیر تصفیه یا بستگانش شدیداً منع شده است (۳۰).

### ثانیاً ضمانت اجرای سوء استفاده از اختیارات و نحوه تعیین آن

اقدامت تامینی تا حدودی از سوء استفاده از اختیارات جلوگیری میکند آنرا بکلی از بین نمی برد. از این رو دادگاهها بهنگامی که سوء استفاده از اختیارات در داخل شرکت تحقق پیدا می کند ضمانت اجرائی پیش بینی شده را اعمال میکند.

اولین نمونه سوء استفاده از اختیارات در یکشرکت عبارت از سوء استفاده ای است که وسیله اعضائی مانند مدیران هیئت مدیره و رئیس آن و هیئت مراقبت conseil de surveillance که اختیارات خود را از شرکاء کسب نموده اند، صورت میگیرد. رویه قضائی در اینمورد بخصوص در حقوق جزا وجود دارد: مانند سوء استفاده از اموال شرکتهای و اختیارات شرکتهای که با شرایط خاص، جرائم پیش بینی شده در قانون راتشکیل میدهند



(۳۱). با اینکه رویه قضائی مدنی را در اینمورد کمیاب و غیر واضح است ولی منطقی بنظر

میرسد از موقعیکه مدیر شرکتی، در امور مدنی، از اختیارات خود در هدفی غیر از منافع

شرکت استفاده کند عمل ویرا سوء استفاده از اختیارات تلقی کنیم بدینترتیب سوء استفاد

در عنصر قصد و نیت تجلی میکند و از اشتباه در مدیریت ( Erreur de gestion ) تمیز

داده میشود.

دومین نمونه سوء استفاده از اختیارات در مورد شرکت که رویه قضائی مدنی فراوانی را

ایجاد کرده تحت عنوان سوء استفاده اکثریت ( Abus de majorite ) شناخته شده است

(۳۲)، اکثریت در مجمع شرکاء ( Assemblees d associes ) یا در مجمع سهامداران

( Assemblees d actionnaires ) مبین اراده جمع میباشد ولی احتمال دارد که این

اختیار مانند هر اختیار دیگر از هدف اصلی خود منحرف شده و منتهی به سوء استفاده

اکثریت گردد (۳۳)، مقنن از تعریف سئء استفاده اکثریت خودداری کرده است (۳۴) اما

در سال ۱۹۶۱ دیوان عالی کشور در اینمورد چنین تعریف کرده است: ( تصمیممتمخذه

علیه منفعت عمومی شرکت و در تنها قصد بهبود وضع اکثریت با اضرار باقلیت ) (۳۵).

بدینترتیب دیوان مزبور با طرز تفکر مضیق سوء استفاده اکثریت را با توجه بموارد زیر

پذیرفته است:

۱) تصمیم مخالف با منفعت شرکت وقتی که هدف ایجاد عدم تساوی بین شرکا نباشد فاقد ضمانت اجرا خواهد بود بهمین جهت دیوان کشور تصمیمات برخی از دادگاههای استیناف را که میخواستند در سیاست اکثریت مداخله نمایند نقض کرده است پرفسور شمیت بطور صریح میگوید که: نقش قاضی عبارتست از حل و فصل تعارض منافع ایجاد شده بمنظور اظهار نظر در عدم رعایت تساوی بین سهامداران بدون اینکه در چگونگی سیاست متخذه وسیله اکثریت اعتراض نماید (۳۶).

گرچه عدم رعایت تساوی شرط لازم میباشد ولی کافی نیست زیرا تصمیم مطابق با منفعت شرکت، هرگز سوء استفاده اکثریت را شامل نمیدهد حتی اگر تصمیم مزبور به بعضی از سهامداران امتیازاتی به نسبت دیگران بدهد (۳۷)، البته در اینمورد عقاید مخالفی نیز ابراز شده که وسیله دیوان کشور مردود تلقی گردیده است. آرائی که سوء استفاده اکثریت را احراز نموده بشرح زیر میباشد:

جذب شرکت وسیله شرکت دیگر

بعهد گرفتن دیون شعب وسیله شرکت مادرو

اجاره دادن سرمایه به یکنفر اداره کننده (۳۹)

در تمام این حالات دیوان کشور موجودیت دو شرط مندرج در بالا را قید نموده است (۴۰).

(۲) در مورد گروه شرکتها

تعیین سوء استفاده از اختیارات مشکلات بزرگی را ایجاد کرده است در دعوائی که موجب و تفسیرهای متعدد شده سهامداران شرکتی در مورد میزان تضمینی که شرکا را جزو شعب شرکت دیگر قرار میداد اعتراض کرده بود دیوان عالی کشور ضمن نقض رای دادگاه رن اظهار نظر نموده که در مانحن فیه شرایط سوء استفاده از اختیارات اکثریت جمع نبوده است.

در دعوای دیگری که زیاد مشهور نیست، سهامداران اقلیت شرکت، (Fruchauf France) به تصمیم شرکت مادر (آمریکائی) مبنی بر دست کشیدن از بازار مهمی، اعتراض کرده اند، دادگاه پاریس در رای خود تصمیم مزبور رای برای شعبه فرانسوی فاجعه انگیز دانسته است. رای مزبور قابل انتقاد می باشد، باین عبارت که نفع یک شعبه شرکت همیشه منطبق با نفع گروه نیست و امکان دارد که تصمیم گروه بضرر شعبه باشد (۴۱). آیا میتوان ادعا کرد که چنین تصمیمی سوء استفاده از اختیارات را تشکیل میدهد؟ تا

کنون دیوان عدالت کشور فرانسه هیچگونه جوابی در اینمورد نداده است اما در گزارش پیشنهاد شده که شرط لازم چنین تصمیمی باید با قبول تضمین مالی باقلیت تحقق پذیرد. در مورد ضمانت اجرائی که در حقوق شرکتها، غیر از مقررات جزائی، برای سوء استفاده از اختیارات وجود دارد میتوان بشرح زیر بیان نمود: اولین ضمانت اجرا مسئولیت مدنی اشخاصی است که از اختیارات خود سوء استفاده کرده اند گرچه سوء استفاده از

اختیارات خطا را تشکیل میدهد و مرتکب مکلف است پرر و زیان مالی در وجه شرکت یا شرکاء پرداخت نماید ولی در عمل تادیه چنین خسارتی بخصوص از طرف اکثریت مسئول، مشکل است و فقط در موقعیکه سوء استفاده از طرف مدیران شرکت صورت میپذیرد، پس از اقامه دعوی پرداخت ضرر و زیان مادی ممکن میگردد.

ضمناً دعوی سوء استفاده اکثریت ممکن است وسیله شرکت و سا گروهی از سهامداران و یا یکی از آنان اقامه شود.

ضمانت اجرای مدنی دیگر عبارت از بطلان تصمیمی است که موجب سوء استفاده از

اختیارات میگردد. چنین ضمانت اجرائی غالباً برای سوء استفاده اکثریت اعمال گردیده است، بطلان مذاکرات شرکت فقط در صورت تخلف از مقررات قانون ۱۹۶۶ و قوانین حاکم بر قراردادها صورت میگیرد (۴۲) و بنابراین بطلان، بعلت سوء استفاده اکثریت از قراردادها منتج میشود که از جمله حقوق عادی است (۴۳). مضافاً اساس و پایه بطلان مورد بحث می باشد زیرا عده ای معتقدند که سوء استفاده اکثریت مانند یکی از عیوب رضاست

که مانع اراده برای تشکیل شرکت میشود ولی عده دیگر سوء استفاده اکثریت نزدیک به سوء استفاده از حق میدانند و اکثریت مجبور می شوند که خسارت وارده را جبران کرده و یا بطلان تصمیم متخذه را بپذیرند ولی یا مراجعه به رویه قضائی ملاحظه میشود که از نظریات مذکور طرفداری نشده است.

بالاخره بعضی از دادگاهها از چند سال باینطرف ضمانت اجرای سوء استفاد از اختیارات را تعیین یک مدیر موقت دانسته که چنین انتخابی بمثابه تعویض مدیر شرکت میاشد و البته ضمانت اجرائی مزبور جبران خسارت و بطلات رجحان دارد. اما قاضی رسیدگی کننده بفوریت (juge de referes) فقط در موردیکه شرکت بطور اتفاقی بعضی از اعضاء خود را از دست داده باشد مدیر موقت تعیین میکند تا سایر اعضاء شرکت از اختیارات خود سوء استفاده نکرده و شرکت به طرف زیان کشانده نشود.

دیوان عالی کشور تا کنون در مورد ارزش چنین انتسابی از طرف دادگاههای پائین اظهار نکرده است.

منعزل کردن یکی از اعضاء که مرتکب سوء استفاده از اختیارات شده امکان پذیر است در شرکتهای با مسئولیت محدود مدیر عامل نه تنها با تصمیم اکثریت بلکه بنا به علت مشروع (cause legitime) و بنا به تقاضای هر شریکی از دادگاه قابل عزل میباشد تردیدی نیست که سوء استفاده اکثریت همان علت مشروع را تشکیل میدهد، در مقابل در شرکتهای سهامی عزل مدیران به نظر اکثریت بستگی دارد و روی این اصل عزل اشخاص اخیر که از پشتیبانی اکثریت برخوردار هستند امکان پذیر نمی باشد و عدم امکان عزل مدیران موجب شده که دادگاهها مدیریت موقت انتساب نمایند (۴۴).

ر تقاضای انحلال شرکت باستناد ماده ۱۸۷۱ قانون مدنی سوء استفاده از اختیارات از دو جهت قابل توجیه میباشد: یکی اینکه شریکی در انجام تعهدات خود قصور کند و دیگر آنکه با شرکاء خود ناسازگاری نماید بدیهی است که انحلال، ضمانت اجرائی بسایر سنگینی بوده مختص موارد استثنائی است که طرز شرکت کاملاً مختل شده باشد (۴۵).

ب \_ حقوق سویس (۴۶)

در زمینه مجمع عمومی شرکت سهامی سوء استفاده از اختیار بصورت سوء استفاده اکثریت ظاهر میشود. اصولاً تصمیمات مجمع عمومی با اکثریت مطلق آراء به نسبت سهام ارائه شده اتخاذ میگردد (۴۷).

بعلاوه قانون مواردی برای حمایت از اقلیت بشرح زیر پیش بینی کرده است.

\_ الزام حضور اکثریت به نسبت؟ سرمایه شرکت، مندرج در ماده ۶۳۶ و بند اول ماده ۶۴۸ قانون تجارت (۴۸).

\_ الزام حضور عده معین از سهامداران (۴۹)،

\_ عدم محرومیت سهامداران از حقوق مکتسبه مربوط به کیفیت شریک بودن بدون توافق

آنها (۵۰).

\_ طرح دعوی در دادگستری در مورد تصمیمات متخذه مجمع عمومی بر خلاف قانون یا

اساسنامه (۱۵۱)

اما اجرای مقرات مذکور مانع از سوء استفاده از اختیارات نخواهد بود زیرا رای دادگاه

فدرال سویس مثبت این ادعا میباشد:

شرکت موسو به (weltwoche \_ verlag Karl von schunracher et coAG)

که ذخیره مهمی دارد و عملاً از یک سهامدار اکثریت و یک سهامدار اقلیت تشکیل یافته

به سبب داشتن آراء سهامدار اکثریت میخواهد ۷۰۰ درصد سرمایه خود را با سهام به قیمت

مساوی افزایش دهد حق رجحان پذیره نویس سهامداران اکثریت و اقلیت رعایت شده

است اما در حقیقت سهامدار اقلیت در یک موقعیت بدون امتیاز به نسبت سهامدار اکثریت

قرار گرفته است زیرا او میتواند یکی از دو طریق زیر را انتخاب کند:

یا در افزایش سرمایه شرکت سهام نمى شود که در اینصورت حدود ۷۴۰/۰۰۰ فرانک

بعلت کمبود سرمایه شرکت ضرر میکند, در مقابل سهامدار اکثریت از عملیات سودآور

که ناشی از وضع اقلیت است بهره مند میشود.

یا سهام جدید بیکه او حق دارد, پذیره نویسی شرکت پرداخت میکند در حالیکه در همان

رابطه, اقلیت با اکثریت, باقی میماند.

در مثال فوق گرچه تصمیم مجمع عمومی مطابق قانون و اساسنامه اتخاذ گردیده ولی اکثریت از اختیارات خود سوء استفاده نموده است در اینجا این سؤال مطرح میشود که اقلیت چه نوع وسیله دفاعی برای خود دارد؟ با در نظر گرفتن اینکه سهامدار بمحض پذیره نویسی و یا خرید سهم آگاهانه اساسنامه و تبعیت از اراده اکثریت را قبول کرده است بنابراین اگر اکثریت راه بهتر انتخاب نکرده و احتمالاً منابع خود به به منافع شرکت و اقلیت ترجیح داده باشند اقلیت وابسته بآن تصمیمات هستند (۵۲).

### اولاً رعایت اصل تساوی

اما برای مبارزه با چنین سوء استفاده های احتمالی رویه قضائی با پشتیبانی دکترین یک اصل کلی غیر مدون را به منظور راه حل در موارد مهم، از قواعد مربوط بشرکتهای سهامی استنتاج کرده و آن عبارت است از اصل در نظر گرفتن تساوی سهامداران. این اصل کلیه موارد عدم تساوی غیر موجه را مورد توجه قرار میدهد ولی اجرای آن بسیار دقیق بوده و دو مشکل اساسی ایجاد مینماید: یکی اینکه چه وقت ممکن است عدم رعایت تساوی

بمفهوم رعایت اصل تساوی تا چه حدودی است؟

دیگر اینکه چه وقت رعایت عدم تساوی غیر موجه قابل قبول است؟

قلمرو اصل رعایت تساوی، در روابط حقوقی سهامداران با شرکت ظاهر می شود مانند اینکه شرکت سهامی که ذخیره مهمی را در اختیار دارد بهنگام افزایش سرمایه و صدور



سهام به قیمت مساوی سهام قبلی، حق پذیره نویسه بعضی از سهامداران را حذف نماید. (۵۳)

اما، عدم رعایت تساوی ممکن است در زمینه های بسیار وسیعتری دیده شود که از روابط محدود قضائی سهامداران با شرکت تجاوز نماید مانند اینکه شرکت سهامی، که سهامدار اکثریتی در بین سایر شرکتهای تشکیل داده و از طرفی ذخایر مالی مهمی را نیز در اختیار دارد، با چنین موقعیتی اقدام با افزایش سرمایه با صدور سهام برابر قیمت سهام اولیه مینماید و بهریک از سهامداران خود حق پذیره نویسی به نسبت سهمی که در شرکت دارند اعطاق میکند.

در اینصورت آیا باید برای تعیین عدم رعایت تساوی به مصادیق کاملاً قضائی اکتفاء کرد؟ بعبارت دیگر حقوق تمام سهامداران را در مقابل شرکت مورد بررسی قرارداد؟ یا اینکه و رای ملاحظات قضائی، تما اوضاع و احوال و حتی تصمیمات شرکت و آثار ناشی از آنها را هم مورد توجه قرار داد و با وجود یکه شرکت ضاهر حقوق مساوی برای سهامداران قائل شده ولی ممکن است وضعیتهای نامساوی بین آنان ایجاد کرده باشد.

دادگاه فدرال در اینمورد دچار تردید شده و در مانحن فیه بر مبنای مصادیق کاملاً اظهار نظر نموده است مثلاً در رای (54) (KNIT) دادگاه میگوید: که هیئت مدیره در اتخاذ

تصمیم مبنی بر فروش ۲۳ سهم (Rolf Knie) مربوط به روابط حقوقی سهامداران نبوده و بالنتیجه عدم رعایت تساوی بین آنان واقع نشده است.

در مقابل، در سال ۱۹۶۹، وجود عدم رعایت تساوی را دادگاه فدرال با شرکت مورد بحث نبوده و جریان امر بشرح زیر بوده است شرکت ذینفع بنام (B.L.S) که سهامدارانش از سه گروه: کنفدراسیون، کانتون برن و بخش خصوصی، مجموعه بهره برداری واحدی را که مرکب از سه شعبه راه آهن بودن تشکیل میدهند، واحد بهره برداری اخیر دارای پازده منفی داشته و توسط کانتون برن اداره میشد.

در سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سهامداران شرکت مذکور قرار دادی را مبنی بر اداره واحد بهره برداری فوق توسط کنفدراسیون با نرخى که ایجاد سود نمى کند تصویب می نماید بنابراین عدم رعایت تساوی در دادگاه از موارد زیر نتیجه می شود:

۱ \_ مندراسیون، تمام شرکت را با قیمت نازل بدست می آورد،

۲ \_ کانتون برن در مقابل عملیات زیان بخش، ۳ راه آهن با زده منفی داشته فاقد هر گونه تعهدی میشود.

۳ \_ سهامداران خصوصی در مقابل قیمت کمتری که بآنها پرداخت شده جبران نشده اند. ملاحظه می شود که دادگاه فدرال در آخرین رای خود به مصادیق حقوقی اظهار عقیده کرده در حالیکه روابط حقوقی سهامداران با شرکت مربوط در بین نبوده است. دادگاه مذکور

میگوید اگر شرکت، تمام سهامداران بیک نحو در نظر بگیرد باید هر سهامدار بتواند قسمتی از سهام جدید را پذیره نویسی نماید که چنین امکانی بهر یک از سهامداران داده نشده است بدین ترتیب دادگاه تفسیر مضیقی از عدم رعایت تساوی نموده و قلمرو اجرائی

رعایت تساوی را در زمینه سوء استفاده شرکتهای پیوسته محدود کرده است ولی این

نظریه شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است (۵۵)

### ثانیاً \_ قبول عدم رعایت تساوی

تصمیمات مجمع عمومی مبنی بر قبول عدم رعایت تساوی در روابط حقوقی سهامداران

با شرکت الزاماً باطل نمیشود زیرا برابر رویه قضائی منظور اط رعایت تساوی تامین تساوی

مطلق بین سهامداران نیست بلکه در موارد ضروری برای اامه هدف شرکت بنفع کلیه

سهامداران باشد اصل مذکور رعایت میشود و هنگامی عدم تساوی قابل قبول است که

برای رسیدن به هدف مشروع وسیله مناسبی باشد (۵۶).

**عدم رعایت تساوی بایستی دارای عناصر زیر باشد تا مورد قبول دادگاه**

**واقع شود:**

۱ \_ داشتن ضرورت مطلق \_ چنین توصیف محدود، بدون شک خصوصیت استثنائی بودن

قبول اصل عدم رعایت تساوی را نشان میدهد:

۲\_ رسیدن به هدف شرکت \_ مراجعه باصل رعایت تساوی فقط تا اندازه ای ممکن است که مجمع عمومی در حدود هدف شرکت باقی بماند اگر تصمیم شرکت از حدود هدف مذکور خارج شود بعلت تخلف از اساسنامه باطل خواهد بود؛ (۵۷)

۳\_ وجود نفع تمام سهامداران ( منظور نفع شخصی هر یک از سهامداران نیست بلکه نفع دراز مدت همه سهامداران یا بعبارت دیگر نفع شرکت میباشد.

وسيله مناسل بودن \_ عدم رعایت تساوی باید وسیله رسیدن به هدف مورد نظر باشد.

۵\_ رسیدن به هدف مشروع \_ هدف مورد نظر باید مورد حمایت قانون باشد البته احراز وجود منافع در حال حاضر غالباً ضروری است.

دو عنصر اخیر مشکل خاص را ایجاد میکند در صورتیکه برای رسیدن به هدف مشروع استفاده از وسائل متعدد امکان پذیر باشد؛ آیا شرکت باید وسیله ای را انتخاب کند که باقلیت لطمه کمتری وارد سازد بعبارت دیگر اصل نسبی بودن عدم تساوی را رعایت نماید یا خیر؟ دادگاه فدرال در رای (Affida) اظهار نظر نموده که وسیله انتخابی لزومی ندارد بهترین آنها باشد بلکه انتخاب وسیله مرجح کافی است بعبارت دیگر اگر انتخاب شرکت از نظر وسیله فاقد هدف نباشد شرط مورد بحث حاصل شده است (۵۷).

در رای (FUX) ، حتی رجحان پذیره نویسی سهامدار اقلیت، صرفاً حذف شده و ظاهراً افزایشی سرمایه بارزش مساوی اولیه انجام میشود در حالیکه شرکت دارای ذخایر مالی مهمی بوده است.

دادگاه فدرال در اینمورد اظهار نموده که: شرکت میتواند از آثار زیان بار مذکور با تعیین صرف سهام از سهام جدید بمبلغی که با ارزش داخلی سهام مطابقت میکرده با محاسبات دقیق جلوگیری نماید در رای دادگاه مزبور گرچه از دیدگاه دیگری به مساله توجه شده ولی امکان داشت این سؤال مطرح شود که آیا تضعیف موقعیت سهامدار اقلیت در شرکت بدون جبران ضرر مالی او قابل قبول بوده یا خیر؟ با اینکه مساله بطور بسیار واضحی مطرح شده ولی لاینحل مانده است (۵۸) در جای دیگر دادگاه فدرال اظهار نظر نموده که اجرای حق بطوریکه ضرر کمتری بدیگری وارد شود مورد توجه نیست در این جا نکته مهم اینست که بدانیم در چه معیاری سهامداران اکثریت میتوانند رعایت حال اقلیت را بنمایند بدون اینکه علیه منافع خود و شرکت اقدام کرده باشند ضمناً قاضی فقط موقعی مداخله میکند که سهامداران اکثریت بطور آشکار از اختیاریکه ماده ۷۰۲ (۵۹) قانون تجارت بانها تفویض کرده سوء استفاده کرده باشند. قاضی چنین صورتی در محدوده بررسی عدم رعایت تساوی تحت زاویه سوء استفاده از اختیارات و نه اصل رعایت تساوی، نظر خود را اعلام میکند. بنابراین ممکن است در آینده تا حدودی استقلال اصل نسبی بودن عدم رعایت تساوی را در رابطه با اصل رعایت تساوی پذیرفته شود

همانطوریکه استقلال اصل رعایت تساوی را تا حدی در رابطه با سوء استفاده از اختیارات قبول کرده اند

ثالثاً\_ رابطه بین اصل رعایت تساوی و اصل سوء استفاده از اختیارات ( ماده ۲ قانون مدنی سوئیس )

همانطوریکه دیدیم شرایط اجرائی اصل رعایت تساوی با شرایط اجرائی سوء استفاده از اختیارات تطبیق مینماید. حال باید دید بین دو اصل مذکور چه رابطه ای برقرار است.

ماده ۲ قانون مدنی سوئیس مقرر میدارد (( هر کس مکلف است که حقوق و تکالیف خود

را بر حسب قواعد حسن نیت اجرا نماید. سوء استفاده آشکار از یک حق مورد حمایت

قانون نمیشود)) ارتباط قاعده اخیر الذکر با اصل رعایت تساوی حقوق مورد توجه دادگاه

فدرال سوئیس بوده و در آراء خود بطور مکرر برای روشن ساختن مفهوم رابطه مذکور

چنین بیان داشته باشد: در رابطه با منع سوء استفاده از حق مندرج در ماده ۲ قانون مدنی

سوئیس، اصل رعایت تساوی حقوق قانون خاصی است ( Lex specialis )، بنابراین بی

مورد است در هر مورد، قبلاً مساله را بر طبق ماده ۲ قانون مذکور بررسی کنیم.

مع الوصف دادگاه فدرال در آرا متعددی (۶۱) مسئله را تحت دو زاویه و شامل رعایت

تساوی و سوء استفاده از حق و یا سوء استفاده از حق و دعایت تساوی، مورد بررسی قرار

میدهد. بنظر مولفین اختلاف اساسی بین اصل رعایت تساوی و سوء استفاده از حق وجود

ندارد اصل رعایت تساوی ممنوعیت سوء استفاده از حق را بنحو خاصی در زمینه شرکتهای سهامی بیان میکند ولی بنظر ولان فدرال مشکل است، از این نظریه که مخالف با تائید مکرر دادگاه فدرال است طرفداری کنیم و لازم است که معنی صحیح اظهارات

دادگاه مذکور را جستجو نمائیم. مشکل اساسی در رای دادگاه همان معنی غیر واضح

قاعده خارج از قانون (Lex specialis) است. اما با توجه به تفسیری که در رای بدنبال

کلمات مذکور آمده بروشن شدن موضوع کمک می نماید. برای دادگاه فدرال (Lex

specialis) چنین معنی میدهد که لزومی ندارد در هر مورد موضوع را برحسب ماده ۲

قانون مدنی سویس بررسی کنیم. دادگاه فدرال در آخرین رای به تفسیر کلمات مذکور

می پردازد و میگوید که: قاعده خارج از قانون بعبارت دیگر اصل رعایت تساوی حقوق،

مجزا از سوء استفاده از حق میباشد بنابراین در قلمرو اجرائی اصل رعایت تساوی جائی

برای سوء استفاده از حق وجود ندارد و روی این اصل بیهوده خواهد بود که در هر مورد

موضوع را از نقطه نظر ماده ۲ قانون مدنی مورد بررسی قرار دهیم.

حال باید دید چه نتایجی بر اصل استقلال رعایت تساوی حقوق مترتب است.

همانطوریکه دادگاه فدرال در رای (62) (Affide) اظهار نظر نموده سهامدار میتواند

نسبت به رعایت تساوی غیر موجه برای منافع شرکت اعتراض کند. در اینجا این سؤال

مطرح میشود که چه نتایج عملی به بیان استقلال اصل رعایت تساوی از سوء استفاده از

اختیارات بار میشود این نکته را باید تذکر داد که نتایج عملی توصیف شده وسیله دادگاه

فدرال ناظر به شرایط مادی که منتهی باخذ بطلان تصمیم مجمع عمومی میگردد، نیست بلکه در اینمورد اصل رعایت تساوی صرفنظر از اینکه بستگی به قواعد سوء استفاده از اختیارات داشته باشد یا خیر مورد توجه قرار گرفته است و بهمین جهت سهامدار اقلیت

فقط در شرایط زیر مورد حمایت قرار میگیرد

۱\_ عدم تساوی وجود داشته باشد.

۲\_ این عدم تساوی موجه نباشد.

بدینترتیب عملی توصیف شده وسیله دادگاه فدرال روی روش کار بالاخص دلایل ظاهر گردیده است و اگر اصل تساوی حالی از سوء استفاده از اختیارات باشد، سهامدار متضرر باید دو مورد را ثابت کند:

۱\_ عدم تساوی .

۲\_ غیر قابل موجه (بی اساس) بودن این عدم تساوی.

چون اصل رعایت تساوی مستقل از سوء استفاده از حق است، سهامدار متضرر فقط باید عدم رعایت را ثابت نماید. این دلیل نسبتا ساده است زیرا عدم تساوی فقط در زمینه روابط



حقوق سهامداران با شرکت ظاهر می‌گردد. راجع به عامل دوم مادی، بعلت اهمیت کمتر وجودش بنوعی مفروض شده است.

در تمام حالات، بعهده شرکت خواننده است که ثابت نماید که عدم تساوی، سوء استفاده

از اختیارات را تشکیل نمیدهد گرچه دادگاه فدرال سوء استفاده از اختیارات را تشکیل

نمیدهد گرچه دادگاه فدرال نکته اخیرالذکر را بطور صریح بیان نکرده است ولی در عمل

بطور ضمنی آنرا با تقسیم بار دلیل پذیرفته است (۶۳). در رای (64) (FUX). دادگاه

فدرال بیان داشته که: آنچه خواهد نسبت به آنها اعتراض کرده قابل بررسی نیست و بعد

اضافه میکند که خواننده مذکور هیچگونه دلیل ارزنده ای مبنی بر استثنائی بودن نتایج اصل

رعایت مساوات بین سهامداران استناد نکرده است (۶۵) باید اضافه کنیم که اگر اصل

نسبی بودن عدم رعایت تساوی را بپذیریم در این صورت ادله مربوط به ضرر کمتری که

مکن است به سهامدار اقلیت داشته باشد باید اقامه گردد.

#### رابعاً اجرای قواعد مربوط به سوء ایتافده از حق

همانطوریکه در بالا ملاحظه شد، شرایط کلی تخلف از اصل رعایت تساری، با شرایط

سوء استفاده از حق تطبیق می‌نماید و تذکر چند نکته در اینمورد ضروری است:

۱ \_ مفهوم عدم رعایت تساوی در سوء استفاده از حق خیلی موسع تر از خود اصل رعایت

تساوی است در آنجا عدم رعایت تساوی فقط مربوط به روابط حقوقی بین سهامداران و

شرکت نیست بلکه مربوط به هر نوع عدم رعایت تساوی با در نظر گرفتن وضع کلی سهامداران مختلف است، بخصوص در مورد روابط خاصی که در یک گروه شرکتها ایجاد شده است. و یا هنگامی است که اکثریت امتیازات غیر موجه بحساب اقلیت بدست آورده اند و یا بعبارت دیگر منافع خصوص، بمنافع کلی شرکت و اعضاء ترجیح داده میشود.

با توجه بملاحظات فوق نتیجه میشود که سوء استفاده از حق مانده اصل رعایت تساوی، سهامدار اقلیت را فقط در مورد عدم رعایت تساوی حمایت مینماید، اما مفهوم عدم رعایت تساوی بطرقی موسعتری توصیف شده است که اقلیت نمیتوانند، در صورت تحقق پیدا نکردن عدم رعایت تساوی، تصمیم نامناسب حتی زیان بار بشرکت اسناد نمایند.

باید اضافه کرد که شرایط قبول عدم رعایت تساوی در مورد سوء استفاده از حق مانند شرایط قبول عدم رعایت مساوات در مبحث رعایت تساوی میباشد که باید قابل توجیه باشد.

از طرف دیگر طبق قاعده کلی ماده ۸ قانون تجارت سویس، سهامدار اقلیت مکلف است در صورت استناد به سوء استفاده از حق باید دلیل مربوط به غیر موجه (بی اساس) بودن عدم رعایت تساوی را اقامه کنند (۶۶).

با توجه به موارد فوق دو نوع قاعده، به اقلیت اجازه میدهد که علیه سوء استفاده اکثریت در زمینه مجمع عمومی شرکت سهامی مبارزه کنند.

اولی، اصل رعایت تساوی که در زمینه روابط حقوقی سهامداران با شرکت اعمال میشود، دومی قواعد مربوط به سوء استفاده از حق وقتی قابل اعمال است که صرفاً خارج از قلمرو باشد و همچنین در مورد اصل رعایت مساوات وارد دلیل بعهده سهامدار اقلیت است ولی در مورد پایه اساس عدم رعایت تساوی اقامه دلیل با شرکت خواهد بود (۶۷).

ج - حقوق هلند سئوالی که قبلاً مطرح شد این بود که آیا حقوق سوء استفاده از اختیارات را با در نظر گرفتن مصادیق عینی، نوعی از سوء استفاده از حق میدانند؟ برای پاسخ باین سئوال بایستی قبلاً روابط بین سهامدار و شرکت را مراجعه برویه قضائی مورد مطالعه قرارداد و دیوان عالی کشور هلند در سال ۱۹۵۹ میگوید حق رای یک سهامدار حقی نیست که در نفع دیگران آنرا بکار برد بلکه حق اختصاصی است که از آن در شرکت نفع خود استفاده میکند (۶۸).

ضمناً قراردادهایی که بموجب آن اشخاص مجبورند از این بهره مند شوند بشرطی مجاز است که مخالف با حسن نیت نبوده و مشاور تصمیم بایستی مفید بحال شرکت باشد بعضی ها اضرار نظر نموده اند که سهامدار فقط به نفع شخصی خود توجه داشته باشد ولی مولفین جدید با نظر مذکور چندان موافقتی ندارند.

قانون مدنی در ماده ۷ از کتاب دوم تحت عنوان اشخاص حقوقی مقرر میدارد: (( طرز عمل شخص حقوقی اعم از اعضاء صاحبان سهام یا گواهی سهام که با همکاری شرکت صادر شده، و یا اشخاصی که جزو سازمانهای وابسته هستند، بنحوی باشد که با الزامات عقل و انصاف در مقابل همدیگر جوابگو باشند)).

ضمانت اجرای عدم رعایت الزامات عقل و انصاف در ماده ۱۱ قانون مدنی در کتاب دوم پیش بینی شده و عبارت از انحلال تصمی مجمع عمومی است که مخالف حسن نیت اتخاذ شده باشد و ماده مذکور وقتی اجرا می‌شود که مجمع بطور غیر قانونی و یا غیر منطقی اتخاذ تصمیم نماید ضمناً دکترین در حقوق هلند تصمیم سهامدارانی را که اتخاذ تصمیم نماید ضمناً دکترین در حقوق هلند تصمیم سهامدارانی را که تمام منافع شرکت را ذخیره کنند و یا بهنگامیکه تقلیل ارزش اسمی سهام نسبی و مساوی نبوده و در نتیجه آن بعضی از سهامداران متضرر شوند مخالف با حسن نیت می‌داند (۷۰). بطوریکه ملاحظه میشود ماده ۷ مارالذکر سهامدار را مجبور نمی‌کند که نفع شرکت را در نظر بگیرد بلکه بکار بردن عقلانی اختیار را بوی تجویز مینماید دادگاه روئر موند در اینمورد چنین اظهار نظر می‌کند: سهامدار یک اکثریت سهام در اختیار داشته و بدون ذکر دلایل از تائید حساب عملکرد سالیانه خودداری نموده است بایستی ایرادات خود را بطور صریح در مجمع عمومی آتی سهامداران بیان کند و الا بعنوان ممتنع از رای محسوب خواهد شد.

همچنین تصمیم اصلاح اسانامه شرکت ممکن است مخالف حسن نیت تلقی گردد در صورتیکه تصمی متخذه به منافع اشخاصی که جزو سازمان شرکت هستند بطور غیر منطقی ضرر برساند (۷۱).

## د\_ حقوق لوگزامبورگ

ماده ۱۸۳۳ قانون مدنی لوگزامبورگ میگوید: هر شرکتی باید قرار داد را در نفع مشترک اعضا خود منعقد نماید: بنابراین سوء استفاده از اختیار وقتی مصداق پیدا میکند که اختیارات تفویض شد به اعضا شرکت بدون توجه به منافع جمع و برنامه سازمانی بکار

رود (۷۲) و بطور کلی دو اصل حسن نیت و نفع شرکت در نظر گرفته نشود ( ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی).

از طرفی ماده ۷۱ قانون قانون ۱۰ وات ۱۹۱۵ اصلاحی روی شرکتهای تجاری مقرر میدارد:

که هیچکس نمیتواند نه برای خود و نه بعنوان وکیل, در دادن رای به تعداد یهمی که از؟

سهام منتشر شده و یا از؟ سهامی که به مجمع عمومی معرفی شده تجاوز نماید, شرکت

کند. چنین محدودیتی در دان رای فی الواقع اجرای اصل حمایت سهامداران اقلیت در

مقابل سوء استفاده اکثریت میباشد که بطور خاص در قانون بآن تصریح شده ولی رویه

قضائی انرا مورد بحث قرار نداده است.

علماء حقوق، سوء استفاده اکثریت را در تصمیمات مجمع عمومی که بر پایه منافع شخصی اکثریت و بدون توجه بمنافع شرکت یا سهامداران اتخاذ شده باطل دانسته اند.

بدیهی است که مدیران و یا سایر اعضاء مدیریت شرکتهای مناسب مشاغل خود دارای

اختیاراتی هستند که قابل سوء استفاده میباشد در حقوق لوگوزا مبورگ برای جلوگیری از آن متون قانونی خاصی و یا رویه قضائی وجود ندارد.

ولی مدیران در انجام و کالت در مقابل سهامداران و شرکت، بموجب مقررات عمومی ( ماده ۵۹ قانون اوت ۱۹۱۵ اصلاحی) مانند هر وکیلی مسئولیت دارند بعبارت دیگر مدیران

باید حساب مدیریت خود را پس دهند زیرا تخلف از آن مستوجب مسئولیت است. از

طرفی آنان مکلفند که حساب شرکت را تهیه و پس از دعوت مجمع عمومی انرا ارائه

دهند و بالاخره مجبور در حدود سرمایه شرکت به عملیات تجارتي بپردازند ( مواد ۱۶۳ و

۱۶۶ و ۱۶۸ قانون ۱۹۱۵/۸/۱۰ ضمناً مانند سایر موارد و کالت اگر وکیل در عملیاتی ه

منوط به تصویب هیئت مدیره است مواردی مخالف شرکت یا سهامداران احراز نماید باید

مراتب را با آگاهی هیئت مذکور رسانیده و در صورت جلسه قید نماید تا در اوین جلسه

باطلاع مجمع عمومی برسد. بطور خلاصه، مدیران شرکت باید در عملیات خود حسن

نیت داشته و هدف و منافع جمع را رعایت نمایند (۷۳).

هـ \_ حقوق یونان

در حقوق تجارت یونان قاعده خاصی برای سوء استفاده از اختیارات وجود ندارد (۷۴) و

ماده ۲۸۱ قانون مدنی یونان قاعده کلی سوء استفاده از حق را بشرح زیر بیان میکند: اجرای

حق در صورتیکه بطور وضوح از حدود حسن نیت، اخلاق حسنه، هدف شرکت یا هدف

اقتصادی باری همان حق تجاوز نماید ممنوع میباشد (۷۵) در مورد حدود قاعده مذکور

رویه قضائی فراوانی وجود دارد شامل حقوق خصوصی و حقوق تجارت حتی در بعضی

نکات حقوق عمومی را در بر میگیرد. حقوقدانان یونان قبول دارند که مصادیق احصاء

شده در ماده مزبور جنبه ذهنی نداشته بلکه جنبه عینی دارد.

مقررات دیگری در مورد حمایت اقلیت در قانون اصلاحی شماره ۲۱۹۰/۱۹۲۰ شرکتهای

سهامی بشرح زیر وجود دارد:

ماده ۱۸ بند ۳ و ۴ در مورد شرط انتخاب بعضی از اعضاء هیئت مدیره توسط بعضی از

سهامداران تا ؟ اعضاء هیئت مزبور؛

ماده ۲۳ و ۲۳.آ. در مورد منع رقابت قروض و تصمیمات شرکت بنفع هیئت مدیره؛

ماده ۲۴ و ۲۵ مقررات مربوط به تقسیم منافع شرکت و تضمین ۶ درصد سرمایه شرکت

بعنوان اولین سود قابل تقسیم بین سهامداران؛

ماده ۲۹ و ۳۱ در مورد حد نصاب و اکثریت مجمع عادی و فوق العاده بمنظور اتخاذ

تصمیم:



ماده ۳۶ تا ۴۰ در مورد کنترل حقوق اقلیت بطور اخص مانند حق کسب اطلاع.

## و \_ حقوق بلژیک

در حقوق بلژیک مفهوم شخص حقوقی مورد بحث حقوقدانان قرار گرفته است برخی از آنان عقیده دارند که شخصیت حقوقی شرکتها واقعیتی را تشکیل میدهند زیرا شخص حقوقی مانند شخص طبیعی دارای حالات مختلف شخصیت میباشد بدینترتیب شخص حقوقی واجد فعالیت شخصی و مستقل بوده و دیگر موجود فرضی و مجرد نخواهد بود. فعالیت و آثار حقوقی مربوط با اراده مقنن مشخص و بمنافع جمع شکل فرضی حقوقی داده میشود این نظریه مجموعه حقوقی را باشخاص حقیقی تشبیه مینماید. از این عمل فرضی بطور محدود نتیجه میوشد و آن اینست وقتیکه اعمال شخص حقوقی دارای نتایج نادرست حتی غیر قبول داشته باشد بطوریکه از هدف خود منحرف و یا از اجرا مقررات اصلی دیگر ممانعت نماید در اینصورت پوشش شخص حقوقی برداشته خواهد شد (۷۶).

## ز \_ حقوق ایران

همانطوریکه قبلاً گفته شد، در حق تجارت ایران تعریضی از سوء استفاده از اختیارات نشده و بناچار بهقاعده کلی سوء استفاده از حق در حقوق مدنی مراجعه و آنرا مورد مطالعه قرار دادیم، با این وصفه موادی برای حمایت اقلیت در مقابل اکثریت بمنظور جلوگیری از سوء استفاده از اختیارات پیش بینی شده و همچنین مفهوم شخصی حقوقی در



حقوق تجارت توصیف گردیده ضمناً میتوان حدود مسئولیت مدیر را در مقابل سهامدار با مقایسه مسئولیت و کیل در برابر مول خود مشخص نمود.

### اولاً \_ حمایت قانون از اقلیت در مقابل اکثریت

۱ \_ ماده ۱۱۱ قانون تجارت ایران اشخاص ذیل را از انتخاب بمدیریت شرکت ممنوع نموده است:

محجورین و کسانیکه ورشکستگی آنها صادر شده است،

کسانیکه بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلا یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت،

سرقه \_ خیانت در امانت \_ کلاهبرداری جنحه هاوی که بموجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است \_ اختلاس \_ تدلیس تصرف غیر قانون در اموال عمومی.

دادگاه شهرستان بنا به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که بر خلاف مفاد ماده مذکور اینتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد ماده مزور بر گردد صادر خواهد نمود و حکم دادگاه موصوف قطعی خواهد بود.

۲\_ ماده ۱۲۶ قانون تجارت ایران مقرر میدارد که اشخاص مندرج در ماده ۱۱۱ نمی توانند بمدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچکس نمیتواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیر عاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیتهای سمت مدیریت عامل، شامل حال او خواهد شد ضمناً ماده ۱۲۷ به هر ذینفع حق میدهد که تقاضای عزل چنین مدیر عاملی را که برخلاف ماده ۱۲۶ انتخاب گردیده و یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور شده از دادگاه شهرستان بنیاد و حکم دادگاه اخیر الذکر در اینمورد قطعی است.

۳\_ ماده ۱۱۸ قانون تجارت ایران طرز کار مدیران شرکت را مشخص نموده و میگوید: جز درباره موضوعاتی که بموجب مقررات این قانون اخذ تصمیم درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت میباشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا موجب تصمیمات مجامع عمومی، فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان کم یکن خواهد بود.

۴\_ ماده ۱۲۸ قانون تجارت ایران ارسال نسخه ای از صورت جلسه هیات مدیره را مشتمل بر نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیر عامل بمرجع ثبت شرکتهای و درج آن در روزنامه

رسمی پس از ثبت الزامی میداند. ملاحظه می‌شود که قانونگذاری بنحوی از انحاء خواسته از حقوق اقلیت حمایت نماید ولی مواد مذکور از سوء استفاده اکثریت در مقابل اقلیت جلوگیری نمی‌کند که ما ناچاریم در هر موردی که بطور صریح در قانون تجارت بآن حکم نشده باشد بمقررات قانون مدنی مراجعه نمائیم (۷۷) شاید بتوان با تجزیه و تحلیل مسئولیت وکیل در برابر موکل و یا مفهوم شخص حقوقی، حدودی برای مسئولیت اکثریت در مقابل اقلیت ترسیم نمود.

### ثانیاً\_ مفهوم شخص حقوقی.

برای روشن شدن مفهوم شخص حقوقی در حقوق تجارت ایران شایسته است تئوریهای مربوط بآنرا اجمالاً مورد مطالعه قرار دهیم (۷۸) دو طرز فکر مخالفت در مورد استناد به قرارداد شرکت یا مفهوم شخص حقوقی آن وجود دارد. و حقوقدانان بیشتر مطلب را در ماهیت حقوقی شرکتهای سهامی مورد بحث قرار داده اند (۷۹).

## طرز فکر قراردادی

برخی از مولفین معتقدند که شرکت سهامی، مانند هر شرکت دیگر قراردادی بیش نیست،

آنان دلایل زیر را ارائه میدهند:

\_ شرکاء جزو شرکت محسوب نمیشوند مگر اینکه توافق خود را اعلام نمایند و این توافق

به اساسنامه بشكل پذیره نویسی سهام (souscription) اعلام میشود. ولی پذیره

نویسی در واقع امضاء قرارداد شرکت است.

\_ شکی نیست که در مجمع عمومی شرکت، اکثریت سهامداران راه حلهای مورد نظر

خود را به اقلیت تحمیل میکنند، ولی اصل بر اینست که هیچکس نمیتواند دیگری را متعهد

کند، اما هیچ چیزی مانع از این نیست که در یک قرارداد قبلاً به شخص ثالثی اجازه داده

شود که نحوه اجرای آنرا تعیین نماید. قبلاً طرفین همدیگر را ملزم می کنند که باراده

اکثریت احترام بگذارند.

بالاخره امور شرکت، توسط نمایندگان در اجرای قواعد و کالت اداره میشود باین طرز فکر

انتقادات زیر وارد شده است (۸۰)

\_ هر عمل ارادی الزام موجد قرارداد نیست بلکه اعمالی هستند که بامدخلیت ساده اراده

شخص را به سک اساسنامه ایکه قبلاً تهیه و تنظیم گردیده، پیوند می دهد مانند اینکه

کسی در یک اداره دولتی استخدامی میشود بهمین منوال در شرکتی که اساسنامه آن قبلاً

وسیله موسسین نوشته شده شخص بآن ملحق میگردد و پذیرع نویسی مانند خرید سهم در بورس است که در آن خریدار شرایط قرارداد شرکت را مورد بحث قرار نمی دهد.

\_ سهامداران میتوانند با فروش سهام خود هر لحظه از شرکت خارج و یا با خرید مجدد وارد شرکت شوند و این امر بر خلاف مفهوم قرارداد است.

حال باید دید که مفهوم شخص حقوقی در قانون تجارت ایران بچه نحو توجیه شده است.

در قانون تجارت ایران مصوبه ۱۳۱۱ چون تعریضی از شرکت نشده بود لذا بناچار ماده ۵۷۱ قانون مدنی که می گوید: (( شرکت عبارتست از اجتماع حقوق مالکین متعدد در

شئی واحد بنحو شاعه)) مراجعه می شد. ولی تعریف مذکور بنابد دلایل مندرج در فوق

در مورد شرکت های تجاری قابل استفاده ننی باشد زیرا حقوق شرکاء با سهامداران در

شرکت تجاری از هم مجزا شده و از طرفی شرکت مدنی ممکن است باستناد بماده ۵۷۲

ق. م که میگوید: (( شرکت اختیاری است یا قهری)) قهری باشد در حالیکه در شرکت

های بازرگانی توافق شرکاء الزامی است. ولی مقنن در سال ۱۳۴۷ وجود شرکتنامه را در

شرکت های بازرگانی ضروری ندانسته و ظاهراً فکر تاسیس حقوی را پذیرفته است بعلاوه

اشخاص حقوی در ماده ۵۸۳ الی ۵۸۷ پیش بینی شده است.

## ۲\_ فکر تاسیس حقوی.

طرفداران نظریه تاسیس حقوقی که جایگزین طرز فکر قراردادی شرکت گردیده است سازمان حقوقی را پیشنهاد می نماید که دارای شخصیت حقوقی بوده و با مقررات مستقل و اعضاء داخلی خود بعهده شرکت تحقق می بخشد. امروزه سازمان شرکت برای جوابگوئی به خصوصیات مذکور که شامل مجامع شرکت، هیئت مدیره، مدیر عامل و غیره می باشد وسیله قانونگذار پیش لینی شده است بعلاوه منظور اط هدف شرکت همان موضوع آن است و مقررات مربوط، اعم از قانون و اساسنامه همانطوریکه اشاره شد باعضاء تحمیل میشود بعبارت دیگر فقط شریک اراده خود را بهنگام پذیره نویسی اعلام میدارد ولی در واقع چنین عملی الحاق به سازمانی است که پیدایش آن وسیله قوانین امره پیش بینی گردیده است.

حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی در ماده ۵۸۸ الی ۵۹۱ قانون تجارت پیش بینی شده است.

ماده ۵۸۸. ت در مورد حقوق و وظایف شخص حقوقی مقرر میدارد: (۰ شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظائف ابوت، بنوت و امثال ذلک)) و برابر ماده ۵۸۹ قانون مذکور تصمیمات شخص حقوقی بوسیله مقاماتی که بموجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته میشود. ماده ۵۹۰. ت

اقامتگاه شخص حقوقی را محل اداره شخص حقوقی میداند ولی با در نظر گرفتن ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی محل اقامت شرکت مرکز عملیات او خواهد بود.

با عنایت بمواد مذکور ملاحظه میشود که حدود اختیارات و مسئولیت شخص حقوقی همانست که افراد در حقوق مدنی دارند. بهمین دلیل ماده ۵۱ قانون تجارت سابق مسئولیت مدیر را به مشابه مسئولیت وکیل در مقابل موکل خود میدانست.

با در نظر گرفتن این اصل که اگر موردی در قانون تجارت مشخص نشده باشد بایستی بمقررات عام مراجعه نمود قانون تجارت اصلاحی اخیر نیازی به تکرار مقررات ماده ۵۱ ندانسته است.

حال لازم میدانیم بقسمتی از مقررات مربوط به وکالت که از نظر سوء استفاده از اختیارات اهمیت دارد اشاره کنیم، قبلاً یاد آور میشویم که در حقوق ایران سه نوع نمایندگی وجود دارد: اول نمایندگی اختیاری که از توافق آزاد طرفین نتیجه میشود مانند عقد وکالت ودیعه و غیره (۸۲). دوم نمایندگی قانونی که موارد آن در قانون پیش بینی شده است مانند

ولایت پدر نسبت به فرزند صغیر. سوم نمایندگی قضائی که از تصمیم مقامات قضائی منتج میشود مانند قیم یا میان برای اداره اموال شخص مفقود الاثر. مضافاً، ماده ۶۶۳ قانون مدنی مقرر میدارد: (( وکیل نمیتواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد)). با در نظر گرفتن مفهوم مخالفت ماده مذکور و تفسیر موسع میتوان گفت که اگر

وکیل یا نماینده ای خارج از اختیاراتی را که بموجب قرارداد یا قانون برای او معین شده اقدام کند، از اختیارات خود سوء استفاده کرده است مسئولیت وکیل در مواد ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ قانون مدنی بشرح زیر پیش بینی شده است:

ماده ۶۶۶ میگوید: (( هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی بموکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب میگردد مسئول خواهد بود)).

ماده ۶۶۷ مقرر میدارد: (( وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل بالصراحه باو اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیارات اوست تجاوز نکند)).

ماده ۶۶۸ وکیل را مکلف میکند که حساب مدت وکالت خود را بموکل داده و آنچه را که بجای او دریافت کرده است با و پس بدهد.

از طرف دیگر ماده ۲۳۱ قانون مدنی معاملات و عقود را فقط درباره متعاملین و قائم مقام قانون آنها موثر میداند (باستثناء مورد ماده ۱۹۶)

بنابراین اگر وکیل یا نماینده ای از حدود اختیاراتی که با تعویض شده تجاوز نماید و اعمال حقوقی بنام موکل خود انجام دهد موکل میتواند فقط اعمال مذکور را قبول نکند بدون اینکه بتواند تقاضای ضرر و زیان نماید زیرا وکیل یا نماینده مانند شخص ثالث مفروض گردیده است ولی اگر وکیل در انجام وکالت مرتکب تقصیر شده و در اثر آن خسارتی



بموکل وارد سازد بطوریکه عرفا و کیل مسبب آن محسوب گردد در این صورت مسئول خواهد بود. در آنچه گذشت مفهوم سوء استفاده از حق و رابطه آن با تقصیر را در حقوق ایران مورد تجزیه و تحلیلی قرار داده و نتیجه گرفتیم که شرایط لازم برای سوء استفاده از

حق عبارت از داشتن حسن نیت در اعمال حق قانونی، داشتن نفع قابل توجه و بالاخره وجود لاضرر، در مقایسه سوء استفاده از حق با سوء استفاده از اختیارات می باشد و قصد انتخاب هدف خارجی عنصر اصلی سوء استفاده از اختیارات را تشکیل میدهد و بعلاوه کلمه ((حق)) در سوء استفاده از حق غیر صریح و دامنه موسعی دارد (۸۳)

ماده ۶۶۷ قانون مدنی که بآن اشاره شده از نظر ماقبل توجه است زیرا و کیل مکلف است که در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را در نظر بگیرد و منظور از مصلحت موکل همان خیر و صلاح اوست بنابراین و کیل باید در انجام وظائف خود حسن نیت داشته باشد.

ماده مذکور اضافه میکند که: ((... و از آنچه که موکل بالصراحه بو اختیار داده یا برحسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار اوست تجاوز نکند)).

بدینترتیب سوء استفاده از اختیارات برای و کیل منع گردیده و بعلاوه در ماده ۶۶۸ بوی تکلیف شده که حساب مدت و کالت خو را بموکل داده و آنچه که بعوض وی دریافت کرده باو مسترد نماید. بنظر میرسد در چنین مواردی، ضمانت اجرای سوء استفاده از

اختیارات مدیران، دست اندرکاران شرکت و یا سوء استفاده اکثریت در مقابل اقلیت، در غیر مسئولیت با تقصیر و ماده ۱۴۳ قانون تجارت که بعلت تخلفات مدیر عامل و یا هیئت مدیر شرکت مسئولیت مدنی پیش بینی گردیده و ماده ۱۵۴ ق.ت در مورد مسئولیت

بازرسان حساب در مقابل شرکت و اشخاص و سایر مسئولیتهای جزائی، بهتر است همان بطلان تصمیمات متخذة وسیله مراجع قضائی، با پیروزی از آئین دادرسی مقرر در ماده ۱۵۳ قانون تجارت و با تصمیم رئیس دادگاه عمومی؟ اعمال گردد ضمناً حدود اختیارات آنان باید با در نظر گرفتن موازین حسن نیت و رعایت منافع جمع شود.

۳۸) شامل یک سلسله عملیات حقوقی است که بمنظور ادغام چندین شرکت یا موسسه تولید اموال و خدمات تجاری صورت میگیرد.

۳۹) قرارداد اجاره ایستکه بموجب آن مالک سرمایه تجاری (موجر) سرمایه را به شخص دیگری بنام اداره کننده اجاره میدهد تا مستاجر ضمنتقبل خطر و بهره برداری در عوض بمالک مال الاجاره بدهد.

۴۱) در این مورد آراء زیر که از دیوان عالی کشور فرانسه صادر شده مراجعه فرمایند

۴۷) ماده ۷۰۳ قانون تجارت سویس باب سوم صفحه ۲۵۶

۴۸) ماده ۶۳۶، ۶۴۸ قانون تجارت سویس باب سوم صفحات ۲۳۴ و ۲۳۸

(۴۹) مواد ۶۴۹ و ۶۵۵ قانون تجارت سوئیس صفحات ۲۳۸ و ۲۴۱

(۵۰) ماده ۶۴۶ قانون تجارت سوئیس باب سوم صفحه ۲۳۷

(۵۱) ماده ۷۰۶ قانون تجارت سوئیس باب سوم صفحه ۲۵۶

(۵۳) دکتر عرفانی (محمود) و بورس و پلی کپی، از انتشارات مدرسه عالی بازرگانی سال ۱۳۵۷ صفحه ۳۰ به بعد مراجعه فرمایند.

(۵۷) ماده ۷۰۶ (بند ۱) قانون تجارت سوئیس، باب سوم، صفحه ۲۵۶

(۵۹) ماده ۷۰۲ قانون تجارت سوئیس مقرر میدارد هیئت مدیره تدابیر لازم را برای ملاحظه حق رای سهامداران اتخاذ مینماید. هیئت مزبور در تحریر صورت جلسه از تصمیمات و انتصابات مجمع عمومی و همچنین اظهارات سهامدارانی که تقاضای ثبت انرا نموده اند، مراقبت میکند. صفحه ۲۶۵ قانون تجارت سوئیس.

(۶۱) بآراء مندرج در شماره های ۵۶ و ۵۲ مراجعه فرمایند.

(۶۲) بشماره ۵۷ مراجعه فرمایند.

(۶۶) بشماره ۶۴ مراجعه فرمایند

(۷۴) بشماره ۱۳ مراجعه فرمایند.

۷۷) عبادی ( محمد علی )، حقوق تجارت، در انتشارات شرکت سهامی چهره تهران،

صفحه ۶ به بعد

۷۸) دکتر عرفانی ( محمود )، بورس، ماخذ یاد شده، صفحه ۳ به بعد.

۸۳) اگر در نمایندگی موضوع قرارداد معامله بمال غیر باشد در اینصورت فضولی است)

مواد ۲۴۷ الی ۲۶۳ مدنی). چنین معامله نوعی سوء استفاده از اختیارات بوده و ضمانت

اجرای آن در قانون پیش بینی شده است.

۸۳) بشماره های ۱۷ الی ۲۲ مراجعه فرمایند.

۸۳ مکرر) لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۳۵۸.۶.۲ اصلاحی

۴.۱۲.۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

## بخش سوم

### حفاظت اشخاص ثالث در مقابل سوء استفاده از اختیارات یا مشاغل

#### الف - حقوق فرانسه (۸۴)

همانطوریکه دیدیم هنگامیکه سوء استفاده از اختیارات در امور داخلی شرکت صورت

میگیرد فقط شرکت و شرکاء از آن متضرر میشوند ولی گاهی اتفاق میافتد که در اداره

امور خارجی شرکت مانند انعقاد قرارداد توسط یکی از مدیران بنام شرکت با اشخاص

ثالث، سوء استفاده واقع شود در اینجا اشخاص ثالث طرف قرارداد ممکن است متضرر شوند بنابراین حقوق فرانسه بمنظور حمایت دو گانه از اشخاص ثالث بآنان اجازه میدهد که علیه شرکت و همچنین مدیران اقامه دعوی نمایند.

### اولاً \_ اقامه دعوی علیه شرکت (۸۵)

دکترین و رویه قضائی در فرانسه از مدت‌ها پیش پذیرفته اند که اگر نماینده شرکتی با سوء استفاده از اختیارات خود قراردادی بنام شرکت باشخص ثالث منعقد نماید در این صورت شرکت متعهد و جوابگو خواهد بود. در بدو امر نویسندگان، سوء استفاده از نام شرکت را

در زمینه شرکتهای اشخاص مورد بحث و استدلال قرار می دادند ولی هم اکنون تئوری مذکور بانواع شرکتهای سرایت پیدا کرده و در دادگاهها در آراء خود انرا مورد تائید قرار داده اند بدین جهت تئوری مو صوف دارای اعتبار میباشد.

با وجود این راه حل مذکور را تکامطوئنی به قانون شرکتهای ندارد و تنها مقنن نسبتاً روشنی را در ماده ۱۴ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ در مورد شرکتهای تضامنی بشرح زیر پیش بینی نموده

است:

(( در روابط با شخص ثالث، مدیر بواسطه اعمال حقوقی که داخل در موضوع شرکت است، شرکت را متعهد میسازد. در صورت متعهد بودن مدیران، اشخاص اخیر بطور جداگانه دارای اختیارات پیش بینی شده در بند قبل میباشند.

(( اعتراضی مدیری باعمال مدیر دیگر نسبت به اشخاص ثالث اثری ندارد. مگر اینکه اشخاص اخیر از اعمال مذکور آگاهی داشته باشند ضمناً شرایط مندرج در اساسنامه که مربوط به محدود کردن اختیارات در این ماده برای پیش بینی شده از طرف شخص ثالث غیر قابل اعتراض است(۸۶).

در ماده مذکور به رعایت نفع شرکت از طرف مدیر اشاره نشده است بنابراین این شرکت و حتی در صورت اقدام مدیر بر خلاف نفع آن در مقابل اشخاص ثالث جوابگو خواهد بود. از طرف دیگر قانونگذار مدیران شرکتهای سهامی و با مسئولیت محدود را نیز به سبب اعمالی که در داخل در موضوع شرکت نباشد مسئول میداند هرچند که اعمال مذکور در جهت نفع شرکت انجام شود( مواد ۲۵۵ \_ ۱۲۴ \_ ۱۱۳ \_ ۹۸ \_ ۴۹ قانون تجارت فرانسه)

اما این استدلال که بر مبنای قانون جدید است قطعیت ندارد در حالیکه تئوری مربوط به سوء استفاده از اختیارات قدیمی است بنابراین شایسته است به تئوریهای کلی، که مسئولیت شرکت را در صورت سوء استفاده از اختیارات بیان میکند، استناد کنیم:

۱\_ بعضی ها دفاع کرده اند که شرکت نسبت به عمل شخص دیگر بر مبنای ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی مسئول است ماده مذکور میگوید: هر کس نه تنها مسئول ضرری است که شخصاً وارد میکند بلکه نسبت به ضرر شخصی که باید از طرف او جوابگو باشد و یا اشیائی که تحت محافظت دارد نیز مسئولیت دارد (۸۷). اما اگر مدیر شرکتی مانند کارگر آن شرکت تلقی شود اشخاص ثالث مواجهه با اشکال خواهند شد زیرا طبق رویه قضائی کارفرما بهنگامیکه کارگر از اختیارات خود سوء استفاده کند، در مقابل اشخاص ثالث مسئولیتی ندارد.

۲\_ میتوان به تئوری ظاهر امر (88) (THEORIE DE L apparence) که مطمئن تر است استناد کرد و میتوان گفت چون اشخاص ثالث اعتقاد حاصل کرده اند که نماینده شرکت به نفع آنها اقدام میکند بنابراین شرکت در مقابل آنها مسئول است زیرا از لحاظ اینکه نماینده شرکت، بنام شرکت قرارداد را امضاء میکرد بهیچوجه معلوم نبود که نامبرده از اختیارات خود سوء استفاده میکرده است روی همین اصل اشخاص ثالث می توانند به اشتباه مشروع خود استناد کرده و بر مبنای آن علیه شرکت اقامه دعوا نمایند (۸۹).

از مطالب بالا استنباط میشود که وقتی شخصی ثالث سوء نیت داشته باشد در اینصورت شرکت مسئول نخواهد بود ولی بار دلیل بعهده شرکت خواهد بود که سوء نیت را ثابت کند و کافی نیست که ثابت کند که عمل فقط مربوط به شخص نماینده بوده است بلکه

باید آگاهی ثالث را از سوء استفاده از اختیارات اثبات نماید و چنین دلیل مشکلی تقریباً هرگز اقامه نشده است.

در مقابل چنین خطری، گاهی شرکت در اساسنامه شرطی در ورد معافیت شرکت در مقابل سوء استفاده از اختیارات نماینده پیش بینی میکند ولی این شرط طبق قاعده هیچگونه اثری نسبت به ثالث ندارد و این موضوع در قانون ۱۹۶۶ روی شرکتهای پیش بینی شده و میگوید که هرگونه شرطی که اختیارات نمایندگان شرکت را محدود کند نسبت به ثالث بلااست، حتی اگر شرط مذکور انتشار یافته باشد (۹۱)



## ثانیا \_ اقامه دعوی علیه مدیران شرکت.

مسئولیت شرکت مانع از این نیست که مدیر در مقابل اشخاص ثالث از نتیجه زیانبخش

عمل ارتكابی از سوء استفاده از اختیارات مسئول نباشد. این مسئولیت بر مبنای ماده ۱۳۸۲

قانون مدنی و ماده ۲۴۴ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ میباشد.

ماده ۱۳۸۲ مقرر میدارد: هرگاه کسی در اثر تقصیر موجب خسارت دیگری شود مجبور به

جبران ضرر ناشی از آن میباشد.

ماده ۲۴۴ میگوید: مدیران منفرداً و یا متضامناً بر حسب مورد، در مقابل شرکت خواه بعلت

تخلف از مقررات قانونی خواه، بنا به مقررات قابل اجرا در شرکتهای سهامی و یا تخلف از

اساسنامه و بالاخره به سبب خطاهای ارتكابی در مدیریت شان مسئول هستند اگر چندین

مدیر در یک عمل همکاری داشته اند،

## دادگاه سهم هر یک را در تقسیم ضرر معین مینماید(۹۲)

ولی مسئولیت مدیران در مقابل اشخاص ثالث وقتی ظاهر خواهد شد که شرکت بعلت

توقف از پرداخت دیون یا تصفیه اموال نتواند بدهی خود را پرداخت نماید.

در اینصورت مطابق قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۷ علیه مدیران دو نوع دعوی میتوان اقامه کرد:

۱\_ دعوی اولی مربوط به سوء استفاده از اختیارات است که میتوان بااستناد بآن درخواست اداره اموال شرکت با تعیین ناظر قضائی یا تصفیه اموال آنرا از دادگاه نمود مشروط بر اینکه مدیران بنام شخص حقوقی اعمال تجاری به نفع خود انجام دهند، یا اموال شرکت را مانند اموال شخصی خود در اختیار بگیرند و یا با سوء استفاده از آن بهره برداری زیانبخشی نمایند که ممکن است به توقف پرداختهای شخص حقوقی منتهی گردد در اینمورد ماده ۱۰۱ قانون ۱۳ ژوئیه سال ۱۹۶۷ چنین مقرر میدارد: در صورت تعیین ناظر قضائی برای شخصی حقوقی از ورشکستگی از نظر اداره اموال یا تصفیه آنها ممکن است برای شخص مدیر شرکت اعم از مدیر قانونی یا غیر آن در موارد زیر تدابیری از طرف دادگاه اتخاذ گردد:

\_ تحت پوشش شخص حقوقی اعمال تجاری به نفع خود انجام دهد،

\_ اموال شرکت را مانند اموال شخص خود در اختیار داشته باشد،

\_ با سوء استفاده از اختیارات به نفع خود بهره برداری زیان بخش که موجب توقف

پرداختهای شخص حقوقی میگردد انجام دهد. بدین ترتیب استفاده از اختیارات به نفع

شخصی موجبات تقاضای تصفیه اموال یا اداره آنها را توسط ناظر قضائی ثالث از دادگاه

فراهم میگردد. البته عمل واحد مدیران در اینمورد مطمع نظر نیست بلکه اعمال تکراری

آنان با سوء استفاده از اختیارات در حکم محکمه موثر خواهد بود و ضمانت اجرائی آن

شدیدی است زیرا مدیران شرکت در بدو امر شخصاً و بدون استثناء تمام دیون شرکت را در صورت اثبات در دادگاه توسط مدعیان بعهده خواهند گرفت بعلاوه اگر مدیر شخص حقیقی باشد الزاماً ورشکستگی شخصی در مورد آنان اجرا خواهد شد. ( ماده ۱۰۶ قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۷).

۲\_ با توجه به مسئولیت شخصی مدیران و اعمال چنین ضمانت اجرائی صدور حکم تصفیه اموال شرکت یا اداره آن وسیله ناظر قضائی در موارد نادر صورت میگیرد و رویه قضائی در عمل نشان داده است که مرجحاً دیون شرکت را از اموال شخصی مدیران جبران مینماید.

والنهایه در صورت خودداری مدیران از پرداخت و یا عدم جبران دیون شرکت، دادگاه حکم تصفیه اموال و یا اداره آنها وسیله ناظر قضائی را صادر مینماید.

بطوریکه ملاحظه میشود در حقوق تجارت فرانسه تاسیساتی مانند بازرسی حسابها ( commissaire aux comptes ) , کارشناسان اقلیت ( Expert de minorite ) و

شورای نظارت ( conseil de sur Yailance ) در شرکتهای صحت عملیات و اقدامات شرکت را کنترل مینمایند ولی اغلب سوء استفاده های مدیران از اختیارات خود زمانی کشف میشود که شرکت بحال ورشکستگی درآمده و سهامداران و اشخاص ثالث متضرر شده اند ولی نمیتوان منکر شد که ضمانت اجرائی متعدد و شدید پیش بینی شده از موارد

بسیاری از سوء استفاده از اختیارات و پیش گیری و از حقوق اشخاص متضرر دفاع مینماید.

## ب \_ حقوق سویس (۹۴)

قبول نسبی اصل استقلال حقوقی شرکت سهامی در حقوق سویس بهنگامیکه شرکت سهامدار واحد داشته باشد بر مبنای سوء استفاده از اختیارات شخص حقیقی بوده که در پشت شخصیت حقوقی خود را مخفی مینماید و بدین ترتیب شرکت را از هدف خود منحرف میسازد در همین طرز فکر قانون و رویه قضائی از اشخاص ثالث متضرر و از شرکت در موارد خاصی حمایت نموده است:

## اولا \_ حمایت قانونی

در حقوق سویس مقنن باصل استقلال حقوقی شرکت استثنائی وارد میسازد:

۱ \_ تصویب نامه ۲۳ مارس ۱۹۶۰ دادگاه فدرال در مورد اکتساب اموال غیر منقول توسط

اشخاصی که خارج از کشور سویس اقامتگاه دارند در ماده ۳ بند ث میگوید:

مرکز اصلی اشخاص حقوقی که در سویس قرارداد اگر اقامتگاه حقیقی آنها در سویس نبوده و یا از نظر مالی در مرکز اصلی بطور قابل توجهی شرکت نکرده باشند اشخاص حقوقی مقیم در خارج محسوب میشوند (۹۵).

۲\_ تصویبنامه شورای فدرال در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۲ در مورد اتخاذ تدابیر علیه استفاده نامشروع در قراردادهای منعقد شده وسیله کنفدراسیون بمنظور اجتناب از پرداخت مالیات دو مرحله ای.

ماده ۲ در بند ۲(ب) میگوید: تخفیف مالیاتی که به شخص حقوقی مقیم در سوئیس تعلق میگیرد اگر اشخاصی بمتیازات قرارداد (اعم از جزئی یا کلی) حقی نداشته باشند بطور مساقیم و یا غیر مستقیم بصورت شرکت و یا بطریق دیگر خود را ذینفع قلمداد کنند و یا اینکه به تقسیم منافع متناسب اقدام نمایند سوء استفاده تلقی خواهد شد.

۳\_ قانون نوشتال ۲۰ فوریه ۱۹۶۲ در مورد مالیات روی سود اموال غیر منقول در ماده ۲ میگوید:

هر عملی که باعث واگذاری مالکیت حقوقی یا اقتصادی مال غیر منقول به شخصی ثالث گردد بمنزله انتقال حق مالکیت میباشند. نمونه های فوق هر کدام خصوصیات دارند در صورتیکه قانون نوشتال فقط کنار زدن ساده روپوش شخص حقوقی را پیش بینی مینماید و بدیترتیب خریدار سهام یک شرکت املاک را در حکم خریدار مال غیر منقول می داند. ملاحظه میشود که قانون فدرال فقط خود اعضاء را در تعیین مسئولیت شرکت در نظر میگیرد و مسئولیت را بطور غیر مستقیم متوجه آنها میسازد.

ثانیاً\_ رویه قضائی.

همانطوریکه دیدیم قانون، شخصیت حقوقی شرکت سهامی را برسمیت می‌شناسد و حتی یک نفر میتواند آنرا تشکیل داده و تمام سهام را در اختیار داشته باشد ولی صرف این عمل بمعنای آن نیست که شرکت را متهم به سوء استفاده از اختیارات بکنیم که در اینصورت

بایستی تشکیل شرکت را وسیله شخص واحد قبول نکنیم. از طرفی با توجه به قاعده کلی

در حقوق مدنی که در قسمت اول ماده ۲ مقرر میدارد (( هر کسی مکلف است که حقوق

و تکالیف خود را برحسب قواعد حسن نیت اجرا نماید...)) مقررات قانون مدنی بقوت

اجرائی خود باقی است ولی قسمت دوم ماده مذکور اضافه میکند ((... سوء استفاده آشکار

از یک حق مورد حمایت قانون نمیشود)) (۹۶). استثنائی است که باصل مزبور وارد شده و

بقاضی اجازه میدهد خصوصیات مربوط بموارد مشخص را در تعیین سوء استفاده از

اختیارات در نظر گرفته و اجرای مقررات اخیر الذکر مخالف با قواعد حسن نیت بوده

است.

حال باید دید که کیفیات استثنائی مذکور که موجب میشود تا به سوء استفاده از اختیارات

استناد گردد کدام است؟

دادگاه فدرال غالباً در آراء خود یک فرمول بسیار کلی بکار بده و میگوید بایستی بین

اصل استقلال حقوقی شرکت و سهامدار مربوط تفکیک قائل شد مگر اینکه رعایت اصل

حسن نیت در روابط با شخص ثالث الزام آور باشد بعبارت دیگر علت چنی تفکیکی

ملاحظات ضرر و زیان غیر موجهی خواهد بود که موجبات صدمه بمنافع شخص ثالث را فراهم ساخته است در رویه قضائی نمونه هائی بشرح زیر موجود است:

در رای Wurm سهامدار منحصر بفرد شرکت wild و مدیران شرکت سهامی A متضامناً

بدهی بانکی شرکت سهامی اخیر را ضمانت می نماید شرکت سهامی A از پرداخت دیون

خود اظهار عجز مینماید که متعاقباً بانک طلب خود را به شرکت دیگری بنام Wurm که

زیر نظر wild اداره میشود واگذار میکند. شرکت Wurm مدیر خود یعنی شرکت wild

را بجهت تضمینی که داده تحت تعقیب قرار میدهند. دادگاه فدرال عمل شرکت Wurm

را علیه مدیر خود تجاوزانه قلمداد مینماید. زیرا شرکت Wurm اگر طلب بانک را قبیل

کرده منحصرأ به نفع سهامدار اصلی خود شرکت wild بوده است که با اجازه داده علیه

شرکت A در صورتیکه نتواند دین خود را پرداخت کند اقامه دعوی نماید. بنابراین چون

اقدام Wurm سوء استفاده محسوب میشود نیازی بحمايت قانونی ندارد(۹۷).

اما در مورد دیگر، چون وضع بمانند رای بالا واضح نبوده، دادگاه با توجه به زیانی که به

شخص ثالث وارد شده به استقلال حقوقی شرکت استناد نموده و بدینترتیب منافع مادی و

عینی توجیه شده را پذیرفته است در چنین طرز فکری در نظر گرفتن منافع موجود الزامی

است و قاضی بایستی علت وجودی و طرز کار شرکت همامی را در نظر بگیرد در رای

Muri آقای L وکیل شرکت B وسهامدار منحصر به فرد آن میباشد وکیل مزبور از

سهامدار موصوف طلبکار بوده ولی بشرکت مدیون است هو گامیکه شرکت از نامبرده



طلب خود را مطالبه مینماید مدیون بواسطه طلبی که از سهامدار منحصر به فرد دارد به تهاتر استناد مینماید اما شرکت باختلاف شخصیت حقوقی خود یا سهامدار استناد می کند دادگاه نظر میدهد که استناد شرکت سوء استفاده از اختیارات محسوب نمیشود زیرا چنین عملی برای حذف یک تعهد و یا بمنظور اقدام غیر قانونی دیگر نیست و شرکت B از وکیل L در قلمرو عادی امور تجاری طلبکار شده است (۹۸).

در رای Gloor شرکت سهامی A که بطور وسیع تحت سلطه سهامدار B میباشد (۴۹۶ سهم از ۵۰۰ سهم) ساختمانی که در آن حق شفعه (۹۹) (Droit de preemption) بنفع شخص ثالثی داده شده خریداری مینماید دو سال بعد بعلت احتیاج به پول سهامدار شرکت B سهام خود را میفروشد ولی با شرط اینکه سهام مذکور را در ظرف حداکثر ۵ سال با پرداخت قیمت و هزینه مربوط مجددا خریداری نماید، ولی این حق بمورد اجرا گذاشته نمیشود، دارنده حق شفعه درخواست کسب مجدد ملکیت ساختمان را مینماید، شرکت به استقلال حقوقی خود استناد می کند، دادگاه فدرال از این استقلال حمایت کرده و میگوید:

سهامدار B با فروش سهام خود و بجهت اینکه نیاز بیول داشته برخلاف موازین حسن نیت اقدام نکرده و نخواسته به حق شفعه شخص ثالث خدشه وارد کند چون بهنگام فروش سهام با قید شرط، قصد خرید مجدد آنها را نیز داشته است.



در رای Bohi شرکت سهامی که دارای دو سهامدار است ( سهامدار A 20 سهم و سهامدار B 40 سهم ) سهامدار B یعلت اینکه میخواسته از نظر مالی مداخله اس نداشته باشد سهام خود را به A میفروشد سهامدار اخیر دادخواست بطلان قرارداد فروش را از دادگاه مینماید و در جریان دعوی و سرمایه شرکت را بدو برابر افزایش میدهد دادگاه فدرال عمل شرکت A در مورد افزایش سرمایه را باستناد استقلال حقوقی شرکت پس از تقاضای بطلان قرارداد سوء استفاده تلقی مینماید زیرا تصمیم افزایش سرمایه در مجمع عمومی که فقط سهامدار A بوده اتخاذ گردیده است و سهامدار B منطقاً نمیتوانسته حضور داشته باشد بنابراین اط نظر اقتصادی سهامدار A بر شرکت حکومت میکرده است و بدنترتیب میخواسته فقط به سهامدار B با تضعیف قدرت مالی و اقتصادی اش صدمه بزند و بطور ضمنی او را وادار به قبول تقاضای بطلان کند تا سرمایه جدیدی در اختیار شرکت بگذارد.

بطوریکه ملاحظه میشود رای Bohi اصل نسبی بودن شخصیت حقوقی شرکت را با در نظر گرفتن نفع موجود و حال حاضر ارائه میدهد باید اضافه کرد که قواعد سوء استفاده از اختیارات حدودی دارد. کنار زدن پرده شخصیت حقوقی یوقتی قابل توجیه است که وسیله شخصی ثالثی استناد گردد. ( یعنی نه بوسیله شرکت و نه بوسیله سهامدار واحد).

دادگاه فدرال در اینمورد در رای Gira بطور صریح چنین میگوید: فقط اشخاص ثالث نیستند که مدعی تضرر به سبب جدائی دو شخصیت حقوقی شرکت و اشخاص حقیقی ان

میباشند بلکه شرکت خواهان و سهامداران منحصر به فرد او نیز همین وضعیت قرار دارد. اما اگر سهامدار اخیرالذکر برای شرکت خود شکل شرکت سهامی عام را انتخاب کرده باشد مسلماً به نفع او خواهد بود اما اگر در مقابل چنین مزایائی معایبی هم وجود داشته باشد خود سهامدار باید مسئولیت آنرا بعهده بگیرد بنابراین خود شرکت و سهامدار منحصر بفرد نمیتوانند بدو گانگی که ناشی از دو شخصیتی بودن شرکت است استناد و یا آنرا رد نمایند. (۱۰۰)

در مورد تقلب به قانون fraude a la loi و رابطه با سوء نباید برای استفاده در رسیدن به نتیجه ممنوعه باشد مانند اینکه سهام یک شرکت مادر (societe \_ mere) که وسیله شعبه آن شرکت اکتساب گردیده نمیتواند در مجمع عمومی شرکت مادر ارائه شود. بطوریکه ملاحظه شد با اینکه شرکت سهامی با سهامدارد منحصر به فرد از شخصیت حقوقی مستقل بهره مند است اما استثناً آتی به این اصل وارد میشود. غیر از استثنائات قانونی که دیدیم محدودیتهائی از لحاظ منع سوء استفاده از اختیارات و تقلب نسبت به قانون نیز آن وارد شده است.

### ج\_ حقوق هلند

قانون مدنی هلند در کتاب دوم ماده ۷۲۷ (BW) مقرر میدارد: ((طرز عمل شخص حقوقی اعم از اعضاء صاحبان سهام یا گواهی سهام که با همکاری شرکت صادر شده، و یا

اشخاصی که جزو سازمانهای وابسته هستند، بایستی بنحوی صورت گیرد که با الزامات عقل و انصاف در مقابل همدیگر جوابگو باشد (۱۰۱) در ماده مذکور فقط سهامداران و یا دارندگان گواهی سهام تابع قواد حسن نیت میباشند. زیرا همانطوریکه گفته شد ضمانت اجرای رعایت الزامات عقل و انصاف در قانون مدنی هلند ماده BW11۲ عبارتست از انحلال تصمیمات مجمع عمومی که بر خلاف حسن نیت یعنی بطور غیر قانونی و غیر منطقی اتخاذ شده باشد.

در مورد حفظ منافع طلبکاران مقررات قانونی برای حمایت سرمایه پیش بینی شده است اصولاً مجمع سهامداران همیشه میتواند آزادانه سرمایه شرکت را تغییر دهد چنین تغییری در تحت کنترل وزیر دادگستری گذاشته شده است. اما اتخاذ تصمیم در مورد افزایش سرمایه، پذیره نویسی بعهده مجمع سهامداران است مگر اینکه شرط خلافی در اساسنامه پیش بینی شده باشد و در بعضی موارد اساسنامه تصمیمات مذکور را بعهده هیئت مدیره واگذار میکند. در مورد کاهش سرمایه، قانون مقرراتی برای حمایت طلبکاران پیش بینی کرده است و بدینترتیب اشخاص ثالث میتوانند باستناد مواد در مورد کاهش سرمایه بدادگاه اعتراض نمایند و بعلاوه طلبکار میتواند علیه بدهکار که اعمال حقوقی متقلبانه برای تضییع حقوق وی انجام داده است طرح دعوی کند (102 e Action paulenn) همچنین سهامداران و اشخاص ثالث میتوانند، بهنگامیکه شرکت، سهام خود را خریداری می نماید. در صورت اعتراض به قیمت طرح دعوی نموده و درخواست بطلان معامله را

بنماید. بالاخره اصلاح اساسنامه شرکت بنا به ماده BW12۲ چنانچه بضرر صاحبان حق باشد ممنوع گردیده است.

در آراء دادگاه، قضات وجود شخص حقوقی را حذف ننموده اند و در دعوی سلب

مالکیت در جواب اینکه آیا قاضی با محاسبه دفع ضرر بایستی خارج از ملاحظات شخص

حقوقی قرار گیرد پاسخ دیوان عالی کشور منفی بوده است اما اگر تمام سهام در دست

یک نفر باشد حقوق هلند مسئولیت شخص مدنی را حذف نمیکند و این مسئولیت را با

مسئولیت شخص حقوقی مانع الجمع نمیدانند اهمیت این مطلب بیشتر در گروه مالی ظاهر

میگردد و میگویند مدیر یک شرکت شعبه، کاملاً مستقل نیست زیرا اگر چه ظاهراً هیئت

مدیره شرکت سهامی مستقل است ولی تمایلات هیئت مدیره شرکت مادر را انجام میدهد

و بدین ترتیب نمیتواند سیاست مستقل خود را دنبال کند و شرکت مادر میتواند از شعبه خود

بعنوان وسیله ای برای اجرای سیاستش استفاده نماید که ممکن است به سهامداران اقلیت و

طلبکاران مضر باشد و وضع وابسته بودن شرکت شعبه به شرکت مادر در روه قضائی هلند

شناخته شده است دادگاه Arhem در سال ۱۹۷۴ استعفا مدیر شرکت شعبه را که از

دستورات شرکت مادر تبعیت نموده و میخواست سیاست انفرادی و مستقل از شرکت مادر

را دنبال نماید، علت صحیح تلقی نموده است (۱۰۳)

د\_ حقوق لوگزامبورگ

در حقوق لوگزامبورگ، سوء استفاده از اختیارات وقتی مصداق پیدا می کند که صاحب اختیار از دو اصل رعایت حسن نیت و نفع شرکت تخطی نماید و ضمانت اجرائی چنین سوء استفاده ای در متون قانونی و یا رویه قضائی وجود دارد.

برای حمایت از اشخاص ثالث در مقابل سوء استفاده از اختیارات هیئت مدیره شرکت، قانون ۱۰ اوت ۱۹۱۵ مقررات قابل توجهی در مورد تامین حقوقی اشخاص ثالث مربوط به جلوگیری از سوء استفاده از اختیارات بشرح زیر پیش بینی نموده است:

۱ \_ ماده ۱۲ میگوید: شرکتهای، وسیله مدیران خود که اختیاراتشان وسیله قانونگذار یا اساسنامه تاسیسی و بالاخره اصلاحی مشخص شده، عمل مینمایند تخلف از مقررات انجام تشریفات انتشاراتی درباره انتساب اشخاص که میتوانند شرکت را متعهد سازند ممکن است از طرف اشخاص ثالث مورد اعتراض قرار گیرد مگر اینکه اشخاص اخیر از انتشار خلاف قاعده آگاهی داشته باشند.

۲ \_ ماده ۵۳ مقرر میدارد: هیئت مدیره اختیار هرگونه اعمال حقوقی لازم یا مفید به تحقق رساندن موضوع شرکت را دارد باستثناء مواردیکه قانون و یا اساسنامه آنها را در اختیار مجمع عمومی قرار داده است بعلاوه، هیئت مدیره معرف شرکت در مقابل اشخاص ثالث میباشد... اگر هیئت مذکور از محدودیت پیش بینی شده در صدر ماده تجاوز نماید نسبت به اشخاص اثر ندارد حتی اگر تصمیمات هیئت منتشر شده باشد مع الوصف اساسنامه

میتواند به یک یا چند نفر از هیئت مدیره اختیار دهد که بتواند در اعمال حقوقی، در دادگاه و یا در هر دو مشترکاً بنمایندگی از طرف شرکت اقدام نماید.

۳\_ ماده ۵۸ اضافه میکند: هیئت مدیره هیچگونه تعهد شخصی در مقابل تعهد شرکت ندارند.

۴\_ ماده ۵۹ میگوید: هیئت مدیره بطور تضامنی در مقابل اشخاص ثالث از ضرر و زیان ناشیه در تخلف از قانون (۱۰ اوت ۱۹۱۵ یا اساسنامه شرکتها مسئولیت دارند. مگر اینکه مرتکب تقصیر نشده باشند و یا اینکه موارد تقصیر را در نزدیکترین مجمع عمومی پس از آگاهی بآن مطرح نکرده باشند.

۵\_ ماده ۶۰ مکرر پیش بینی میکند که: شرکت ماخذ اعمال انجام شده وسیله هیئت مدیره میباشد حتی اگر آن اعمال از موضوع شرکت تجاوز کرده باشد مگر اینکه اشخاص ثالث از اعمال مذکور آگاهی داشته باشند. بطوریکه ملاحظه میشود موارد قانونی در حقوق لوگزامبورگ از منافع اشخاص ثالث بنحو نسبتاً مطلوبی حمایت کرده است.

## هـ\_ حقوق یونان

در حقوق یونان چنانچه اجرای حقی از حدود حسن نیت، اخلاق حسنه هدف شرکت و یا هدف اقتصادی برای همان حق تجاوز نماید سوء استفاده از اختیارات محسوب میشود

همانطوریکه قبلاً گفته شد این قاعده کلی را قانون مدنی بیان کرده و مورد تأیید رویه

قضائی نیز قرار گرفته است. (۱۰۴)

قانون اصلاحی شماره ۲۱۹۰/۱۹۲۰ مربوط به شرکتهای سهامی در مورد حمایت مستقیم یا

غیر مستقیم از منافع اشخاص ثالث مواردی را بشرح زیر پیش بینی نموده است: (۱۰۵)

\_\_ ماده ۸\_ واریز کردن در حد نسبتاً زیاد سرمایه شرکت در حسابهای دیگر:

\_\_ ماده ۹\_ کنترل رسمی آورده های غیر نقدی (Apports en nature):

\_\_ مواد ۱۰\_ ۱۶ و ۱۷ محدودیت خرید اموال غیر منقول، ماشین آلات و غیره توسط اعضاء

هیئت مدیره و یا خرید و رهن سهام وسیله خود شرکت و یا وسیله شرکت صادر؛

\_\_ مواد ۴۲ تا ۴۴ در مورد نوشتن و انتشار ترازنامه سالیانه؛

\_\_ مواد ۴۸ و ۵۰ تا ۵۳ درباره بازرسی دولت و نسخ اجازه نامه دولتی راجع به تاسیس

شرکت.

با اینکه مجمع عمومی شرکتهای وسیله اکثریت کنترل میشود ولی مواد فوق الذکر و وضوح

از منافع اشخاص ثالث دفاع مینماید.

قانون شماره ۳۱۹۰/۱۹۵۵ در حقوق شرکتهای یونانی با مسئولیت محدود مقررات مربوط به حمایت از شرکاء اقلیت (miorite (Associe) یا از طلبکاران را پیش بینی کرده است:

\_\_ ماده ۵۴ در مورد حداقل سرمایه و آورده های غیر نقدی؛

\_\_ ماده ۱۱ دعوت مجمع عمومی بتقاضای اقلیت دارنده ؟ سرمایه؛

\_\_ ماده ۱۳ علاوه بر اکثریت سرمایه، اکثریت اشخاص را هم برای تصمیمات مجمع عمومی لازم دانسته است؛

\_\_ ماده ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ در مورد شرایط انتساب، اختیارات و عزل مدیران؛

\_\_ ماده ۴۴ تضمینی حق کسب اطلاعات از امور شرکت به هر یک از شرکاء

\_\_ ماده ۴۵ تصمیم به انحلال شرکت در صورت ضرر و غیره.

در مورد سوء استفاده از اختیارات اشخاص مدنی حقوق یونان توسعه زیادی پیدا نکرده است. ولی در شرکتهای با مسئولیت محدودی در ماده ۴۴ قانون فوق الذکر مواردی در مورد انحلال شرکت بشرح زیر مقرر گردیده است:

\_\_ انحلال به تصمیم مقامات قضائی و بنا به تقاضای کسی که نفع مشروع دارد و همچنین در مواردیکه تمام سهام شرکت در دست شخص واحد باشد.



\_ هنگامیکه تمام سهام شرکت در دست شخص واحد باشد، شخص اخیر در صورت عدم توانائی شرکت به پرداختهای خود کلاً بدون محدودیت مسئول خواهد بود. نظر باینکه قواعد مذکور در مورد شرکتهای سهامی سرایت پیدا نکرده است بهمین جهت تشکیل شرکت سهامی با شخص واحد در حقوق یونان منع قانونی نخواهد داشت.

راجع به سوء استفاده از اختیارات در امور ورشکستگی و بیمه قاعده خاصی وجود ندارد ولی آنچه مسلم است شرط مندرج در ماده ۲۸۱ قانون مدنی یونان میتواند در این مورد استناد گردد.

در مورد اسناد تجاری مانند (L letter de change) سفته (billet a order) و چک، قوانین متحد الشکل ژنو در یونان پذیرفته شده است.

در حقوق دریائی یونان، مقرراتی وجود دارد که اقدامات سوء استفاده از اختیارات و مشاغل را محدود میسازد مانند مورد مالکیت مشاع یک کشتی (ماده ۲۰، ۲۱ و ۳۲ قانون ۳۱۶/۱۹۵۸) (۱۰۶).

بالاخره قانونگذار ثبت علائم را اگر بر خلاف حسن نیت باشد ممنوع کرده است (بند ۲ از ماده ۳ قانون شماره ۱۹۹۸/۱۹۲۹) (۱۰۷).

همچنین فکر سوء استفاده از اختیارات در رقابت غیر قانونی (۱۰۸) ممکن است مطرح بشود و چون در اینمورد مقررات خاصی در حقوق وضع نشده لذا بهمان قاعده کلی حقوق مدنی استناد میگردد.

## و\_ حقوق بلژیک

در حقوق بلژیک حمایت اشخاص نه تنها در شرکتهای منفرد بلکه در گروه شرکتهای نیز مورد توجه قرار گرفته است:

### اولا\_ حمایت ثالث در مقابل مدیران شرکت,

مدیران بر حسب مورد در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث مسئولیت دارند مطابق ماده ۶۲ قانون تجارت, مدیران شرکت مسئولیت دارند زیرا مدیران باید وظایف خود را با بکار بردن ابتکار مدیریت مانند پدر خوب خانواده بنحو احسنی انجام دهند اگر چند مدیر مرتکب خطای مشترک در اداره امور شده باشند هر کدام از آنان بطور تضامنی در جبران خسارت وارده محکوم خواهند شد.

هرگاه دعوا ناشی از خطای یکی از مدیران باشد فقط شرکت موکل مدیر مذکور میتواند طرح دعوی نماید البته حقوق بلژیک اقامه چنین دعوائی را فقط در صورت تخلف از قانون یا اساسنامه تجویز مینماید (۱۰۹) و بعلاوه شرکت به جهت قصور مدیران طرح دعوی نمایند هر چند که شرکت ذینفع از قدام در اینمورد کوتاهی کرده باشد. باید باین

نکته اشاره کرد که ماده ۱۰ طرح قانونی مربوط به شرکتها اقامه دعوی سهامداران اقلیت را فقط بنفع و بحساب شرکت می پذیرد بنا براین اقلیت مذکور نمی توانند به نفع شخص خود اقامه دعوی نمایند. طلبکاران نیز میتوانند بنام خود و بحساب بدهکار مسامحه کار و ؟

اقامه دعوی نماید (Action pbique) از طرف دیگر اشخاص ثالث حق دارند بااستناد قانون مدنی و درو صورت ارتکاب جرم یا شبه جرم از طرف مدیران شرکت ( مانند عمل رقابت غیر قانونی، توافق به ایجاد تجارب فرضی) اقامه دعوی نمایند ولی اعمال قابل استناد به مدیران در عین حال ممکن است شامل خطای مدیریت باشد که در صورت اخیر بر مبنای مسئولیت مدیران بر طبق حقوق عام اقامه دعوی میشود.

اما مسئولیت مدیران شرکت در صورت تخلف از قانون یا اساسنامه برابر بند ۲ از ماده ۶۲ قانون تجارت بلژیک تشدید شده است بعبارت دیگر مسئولیت مدیران در چنین مواردی نسبت باشخاص ثالث همانند مسئولیت آنان در مقابل شرکت است.

قانون آنان را بدلیل خطای دوران مدیریت شان متضامنا مسئول میداند. فرض مسئولیت تضامنی قابل اعتراض است زیرا مدیری که ثابت کند در ارتکاب تخلف از قانون یا اساسنامه شرکت نداشته و یا اصولاً متوجه او نیست و از آن آگاهی نداشته و بالاخره اینکه پس از آگاهی از آن، مراتب را در نزدیکترین مجمع عمومی اعلام نموده است از مسئولیت مبرا خواهد شد.

در مورد افزایش سرمایه، مدیران مانند موسسین بهنگام تاسیس شرکت در مقابل اشخاص ذینفع مسئولیت تضامنی دارند در صورتیکه ضرر وارده منجر به بطلان عمل بر مبنای عدم رعایت مقررات شکلی باشد میبایستی در بخشنامه، یادداشت، آگهی و پذیره نویسی قید گردد(۱۱۰)

### ثانیاً\_ حمایت اشخاص ثالث در مقابل گروه شرکتها(۱۱۱).

اصولاً شرکت از گروه تشکیل می‌شود که دارای شخصیت حقوقی جداگانه و دارای اموال شخصی است. در اصل، طلبکاران هر یک از شرکتها فقط میتواند علیه شرکت مزبور اقامه دعوی نمایند و ورشکستگی شعبه شرکت الزاماً به ورشکستگی شرکت مادر و یا سایر شرکتهای گروه منتهی نمیشود.

رویه قضائی در اجرای اصول حقوق عام، شرکت مادر را در مقابل دیون شعبه خود که بجای شرکت معامله کرده و یا موجودی شرکت با بضرر طلبکاران مصرف کند مسئول دانسته است.

بدین ترتیب شرکت حاکم (societe dominante) ممکن است توسط شرکت شعبه، عملیاتی در اموال شرکت بضرر اشخاص ثالث انجام دهد در چنین حالتی رویه قضائی با توسعه ورشکستگی یا سوء استفاده از اختیارات شخص حقوقی از اشخاصی ثالث حمایت مینماید. در مورد کاهش سرمایه شرکت، ماده ۷۲ قانون تجارت بزرگیک به

اشخاص ثالث اجازه میدهد که در صورتیکه بحقوق آنان لطمه وارد شود اعتراض نمایند و بدین ترتیب طلبکاران میتوانند با طرح دعوی، بطلان تصمیمات متخذه را در مورد کاهش سرمایه از دادگاه بخواهند.

در بلژیک قانونگذار سهامداران اقلیت و طلبکاران را در مقابل گروه شرکتها با مقررات خاصی حمایت نمی کند و در اینمورد از اصول کلی حقوق پیروی میوشد.

ولی در طرح قانونی جدید مقررات خاصی در مورد روابط شعب (filiales) با شرکت مادر بشرح زیررا پیش بینی شده است:

\_\_ ماده ۸۷ شرکت شعبه را منع میکند که سهام شرکت حاکم را کسب نماید

\_\_ ماده ۸۹ شرکت شعبه را از پذیره نویسی سهام شرکت حاکم نفی میکند کگر اینکه بحساب شخص ثالث باشد،

\_\_ ماده ۳۷ سهام شدن متقابل شرکت شعبه و مادر را تجویز نمی کند، در صورتیکه

شرکت مادر یا شعبه بخواهد مالک سهام بیشتر از ۱۰ درصد دیگری اشد چنین موردی در

حقوق تجارت فرانسه در ماده ۳۵۸ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ پیش بینی شده است (۱۱۲)

گرچه طرح قانونی مذکور در بلژیک هنوز بصورت قانون لازم الاجرا در نیامده است ولی کمیسیون بانکی (commission bancaire) که نقش مهمی در کنترل بورس و عملیات شرکتها دارد توجه خاصی باین مساله دارد.

## ز \_ حقوق ایران

در ایران تجارت ایران مواردی برای حمایت اشخاص ثالث بشرح زیر پیش بینی شده است:

\_ ماده ۱۲۹ ق ت ۱ مقرر میدارد: (( اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل و همچنین موسسات و شرکتهائی که اعضاء هیئت مدیره و یا مدیر عامل شرکت، شریک یا عضو هیئت مدیره و یا مدیر عامل آنها باشند نمیتوانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتیکه با شرکت یا بحساب شرکت میشود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهم شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ایکه اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آنرا به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای بهمان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیر عامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت بمعامله مذکور حق رای نخواهد داشت)).

ملاحظه می‌شود که در ماده مذکور انجام هر نوع معامله از طرف مدیر یا مدیران موکول با اجازه هیئت مدیره می‌باشد هیئت مزبور به نوبه خود باید مراتب را بلافاصله به بازرس حساب اطلاع دهد و همچنین به اولین مجمع عمومی عادی نیز گزارش دهد بدهی است بازرس حساب گزارش جریان امر را به مجمع مذکور تقدیم خواهد کرد ضمناً مدیر یا مدیر عامل بهنگام اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی حق رای ندارد.

ماده ۳۰ ق.ت ۱۰ میگوید: ((معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر موارد ندلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد در صورتیکه بر اثر انجام معامله بشرکت خسارتی وارد آمده باشد و در هر صورت جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن را داده اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارات وارده معامله بشرکت می‌باشند.))

در ماده مذکور اعضاء هیئت مدیره یا سایر مدیران معاملاتی با اشخاص ثالث با اجازه هیئت مدیره انجام دهند و نیز مراتب را با اطلاع بازرس شرکت برسانند ولی اگر مجمع عمومی عادی آنرا تصویب نکند بحقوق اشخاص ثالث صدمه وارد نمیشود مگر اسنکه ندلیس و تقلب کرده باشند. از طرف دیگر هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع در جبران خسارت وارده بشرکت مسئولیت تضامنی دارند.

اما مسئولیت بازرس یا بازرسان حساب در ماده ۱۵۴ ق.ت.۱۰ به مقررات عمومی مسئولیت مدنی احاله شده است: ((بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب میشوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول حبران خسارت وارده خواهند بود))

بدین ترتیب، مسئولیت شخص حقوقی با مسئولیت شخص حقیقی در حقوق تجارت ایران زمانی از هم تفکیک میشوند که به حقوق سهامداران و اشخاص ثالث صدمه وارد شده باشد.

ماده ۱۴۳ در مورد مسئولیت هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت مقرر میدارد: ((در صورتیکه شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلو شود که دارائی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار میتواند بتقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارائی شرکت بنحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفردا یا متضامنا بتادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از ادعائی شرکت ممکن نیست محکوم نماید))

در ماده مذکور کلمه ((تقاضای هر ذینفع)) شامل سهامدار و یا شخص ثالث میشود که در صورت ورشکستگی یا انحلال شرکت توأم با تخلف اشخاص مندرج در ماده بوده و بعلاوه دارائی شرکت کافی برای تادیه دیون نباشد میتواند در دادگاه صلاحیتدار



درخواست محکومیت فردی و یا تضامنی مدیر یا مدیران را بتادیه آن قسمت از دیون که

قابل پرداخت از دارائی شرکت نیست بنماید.

سایر موارد مسئولیت مدنی هیئت مدیره، مدیر عامل که در قانون تجارت پیش بینی نشده

علی الاصول بقواعد عام حقوقی مدنی احاله میشود.

## نتیجه

۱\_ حقوق فرانسه \_ سوء استفاده از اختیارات را تعریف نکرده ولی دو نمونه بارز آن که

یکی عبارت از سوء استفاده از اختیارات اعضاء شرکت از قانون و یا اساسنامه و دیگری سوق استفاده اکثریت بضرر اقلیت میباشد اشاره نموده است.

برای حفاظت شرکت در مقابل سوء استفاده از اختیارات، حقوق فرانسه در بدو مرتدایر

تامینی اتخاذ نموده و سعی میکند که اشخاص صحیح العمل در هیئت مدیره و یا مدیریت

عاملی انتخاب شوند و بعلاوه به مدیران نیز اختیارات نامحدود و غیر قابل کنترل تفویض

نمی نماید و از طرف دیگر با توجه به سیاست اقتصاد ارشادی، سازمانهای نمیه دولتی در

کنترل شرکتهای سهامی عام مداخله مینمایند. بالاخره رویه قضائی، که گویای واقعیت

های روابط اجتماعی است، سوء استفاده کنندگان اکثریت در شرکت را که علیه منفعت

عمومی شرکت و در تنها قصد بهبود وضع اعضاء اکثریت با اضرار باقلیت تصمیماتی

اتخاذ کرده اند بجزبران خسارت وارده به اقلیت و یا به بطلان تصمیمات متخذه و یا به

تعویض مدیر شرکت با انتخاب مدیر موقت محکوم نموده است.

اما در مورد حفاظت اشخاص ثالث در مقابل سوء استفاده از اختیارات حقوق فرانسه

مقررات خاصی پیش بینی نموده که به تبعیت از اصل قانون مدنی مراجعه میشود ضمناً

رویه قضائی به تئوریهای مختلفی مانند تئوری (( ظاهر امر)) استناد نموده است بدین معنی

که اشخاص ثالث، با اعتقاد باینکه نماینده شرکت به نفع شرکت اقدام کرده شرکت نیز در مقابل آنان قبول مسئولیت نموده است. قرار داد را امضا میکنند حال، در صورت سوء استفاده از اختیارات نماینده شرکت، اشخاص ثالث با استناد به ((اشتباه مشروع)) ۹ خود، علیه شرکت اقامه دعوی مینمایند ضمناً، اگر شرکاء در اساسنامه شرط معافیت از مسئولیت ناشی از سوء استفاده از اختیارات را پیش بینی کنند چنین شرطی نسبت به ثالث هیچگونه اثری نخواهد داشت.

۲ \_ حقوق سویس، مانند حقوق فرانسه، سوء استفاده اکثریت را بعنوان نمونه بارز از سوء استفاده از اختیارات مطرح مینماید و بعلاوه اصل استقلال حقوقی شرکت را بوطر نسبی شناخته تا از حقوق سهامداران اقلیت و یا اشخاص ثالث حمایت کند: برای جلوگیری از سوء استفاده اکثریت در مقابل اقلیت، حقوق سویس، مقررات قانونی بسیار دقیقی پیش بینی کرده است، رویه قضائی نیز، با حمایت از دکتین بنوبه خود برای تکمیل مقررات قانونی، اصل در نظر گرفتن تساوی بین سهامداران را بعنوان قاعده کلی پذیرفته و عناصر تشکیل دهنده انرا داشته ضرورت مطلق، رسیدن به هدف شرکت، وجود نفع کلیه سهامداران، وسیله مناسب بودن و بالاخره رسیدن به هدف مورد حمایت قانون تعیین نموده است از طرف دیگر رویه قضائی برای ترسیم قلمرو اصل مذکور، اصل دیگری را که عدم رعایت تساوی بین سهامداران میباشد مورد توجه قرارداده و رابطه دو اصل یاد شده را نیز تجزیه و تحلیل قرار داده است.

در حقوق سوئیس بمنظور حمایت از اشخاص ثالث به اصل استقلال حقوقی شرکت استثناء وارد شده است از طرف دیگر رویه قضائی با در نظر گرفتن ماده ۲ قانون مدنی، سوء استفاده از اختیار را در هر مورد بررسی تا اجرای قانون با قواعد حسن نیت مخالفتی نداشته باشد. بعنوان نمونه، دادگاه فدرال سوئیس رعایت اصل حسن نیت را در روابط شرکت با اشخاص ثالث مد نظر گرفته و اصل نسبی بودن شخصیت حقوقی شرکت را با توجه بمنافع حال قبول میکند.

۳ \_ حقوق هلند، در توجیه سوء استفاده از اختیارات، روابط سهامداران را تابع قواعد حسن نیت عینی میداند که باید از الزامات عقل و انصاف پیروی نماید. دادگاهها انحلال مجمع عمومی را بعنوان ضمانت اجرای سوء استفاده از اختیارات پذیرفته و موارد تخلف از قواعد حسن نیت را نیز مشخص نموده اند.

بعلاوه اشخاص ثالث در مورد کاهش سرمایه شرکت میتوانند اعتراض خود را بدادگاه تسلیم نمایند و همچنین اگر شرکت سهام خود را خریداری نماید بطوریکه قیمت تعیین شده بضرر آنان باشد در این صورت حق درخواست بطلان معامله را خواهند داشت.

۴ \_ حقوق لوگزامبورگ، سوء استفاده از اختیارات را در تخلف از دو اصل حسن نیت وضع شرکت خلاصه میکند علماء حقوق سوء استفاده اکثریت را در تصمیمات مجمع عمومی که بر پایه منافع شخصی آنان و بدون توجه بمنافع شرکت یا سهامداران اتخاذ شده

باشد باطل میدانند اما در اینمورد قانون یا رویه قضائی در دست نیست و مدیران شرکت در انجام و کالت خود در مقابل سهامداران و شرکت بموجب قواعد عام مانند هر و کیلی مسئول خواهند بود.

در حقوق لوگزامبورگ مقرراتی برای حمایت اشخاص ثالث در مقابل سوء استفاده از اختیارات هیئت مدیره شرکت وضع شده است اشخاص ثالث میتوانند به انتسابات خلاف قاعده هیئت مدیره اعتراض نمایند زیرا هیئت مدیره معرف شرکت در مقابل اشخاص اخیرالذکر میباشد گرچه هیئت مدیره هیچگونه تعهد شخصی در مقابل تعهد شرکت ندارند ولی در مقابل ضرر و زیان ناشی از تخلف از قانون یا اساسنامه وارده به اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند مگر اینکه مرتکب تقصیر نشده و یا اینکه موارد تقصیر را در اولین مجمع عمومی مطرح کرده باشند.

۵ \_ حقوق یونان، با توسل بقواعد کلی حقوق مدنی، تجاوز از حدود حسن نیت، اخلاق حسنه، شرکت یا هدف اقتصادی آن که برای اجرای حق معین شده در قلمرو سوء استفاده از اختیارات احصاء میکند در حقوق تجارت یونان، صرفنظر از مقررات قانونی راجع به حمایت از اقلیت در شرکتهای قاعده خاصی برای سوء استفاده از اختیارات وجود ندارد ولی در ماده ۲۸۱ قانون مدنی قاعده کلی سوء استفاده از حق بیان گردیده است که بموجب ان اجرای حقی بطور آشکار از حدود حسن نیت، یا اخلاق حسنه، هدف شرکت یا هدف اقتصادی آن که برای همان حق معین گردیده تجاوز نماید ممنوع میباشد بدین

ترتیب ماده مذکور به جنبه عینی مساله توجه داشته و در این زمینه نیز رویه قضائی زیادی وجود دارد.

در مورد حمایت از اشخاص ثالث مقرراتی وضع شده و سوء استفاده از اختیارات اشخاص مدنی که سهامدار واحد شرکت باشد با شرایط پیش بینی شده در قانون، موجبات انحلال شرکت را فراهم میسازد.

۶\_ حقوق بلژیک بیم مفاهیم سوء استفاده از اختیارات و تجاوز از اختیارات از یکطرف و بین سوء استفاده از اختیارات و سوء استفاده از حق از طرف دیگر قائل به وجه تمایز گریده است.

سوء استفاده از اختیارات عبارتست از استفاده از اختیار رسمی برای رسیدن بهدنی غیر از هدف مورد نظر شرکت بدینترتیب حقوق بلژیک به هدف خارجی که جنبه عینی دارد بدون اینکه حتماً سوء نیتی در بین باشد توجه نموده است.

مفهوم نسبی بودن شخصیت حقوقی در شرایطی پذیرفته میشود که اعمال شخص حقوقی دارای نتایج نادرست حتی غیر قابل قبول باشد بنحویکه از هدف خود منحرف و یا از اجرای مقررات دیگر خودداری نماید در این صورت است که مفهوم شخصیت کنار گذاشته شده و مسئولیت شخص هیئت مدیره و مدیرعامل مطرح میگردد.

در حقوق بلژیک مسئولیت مدیران در صورت تخلف از قانون یا اساسنامه برابر ماده ۶۲ قانون تجارت تشدید شده بدین معنی آنان در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند مگر اینکه مدیری ثابت کند که تخلف متوجه او نبوده و یا از آن آگاهی نداشته و یا بالاخره پس از آگاهی مراتب را بنزدیکترین مجمع عمومی اعلام نموده است:

مسئولیت تضامنی مدیران در مورد افزایش سرمایه نیز، در صورتیکه غیر قابل توجیه باشد، همانند مسئولیت موسسین شرکت در مقابل اشخاص ذینفع پذیرفته شده است. حقوق بلژیک از اشخاص ثالث در مقابل سوء استفاده از اختیارات گروه شرکتها با توسل باصول کلی حقوقی حمایت مینماید.

اما در مورد کاهش سرمایه شرکت، قانون تجارت بلژیک به اشخاص ثالث اجازه میدهد در صورت وارد شدن لطمه بحقوق آنان، اعتراض نموده و دعوی بطلان تصمیمات متخذه را در مورد کاهش سرمایه از دادگاه بنمایند.

۶\_ حقوق ایران تعریفی از سوء استفاده از اختیارات ننموده است و بنظر میرسد میتوان با توسل بقواعد کلی حقوقی مدنی و بالاخص سوء استفاده از حق، ارکان تشکیل دهنده سوء استفاده از اختیارات را درز مقام مقایسه بشرح زیر مشخص نمود: ۱\_ داشتن حسن نیت در اعمال حق قانونی ۲\_ داشتن نفع قابل توجه ۳\_ وجود ضرر.

از طرف دیگر در حقوق تجارت مقرراتی برای حمایت اقلیت در مقابل سوء استفاده اکثریت پیش بینی شده است و در مورد مسئولیت مدیر، با توجه به مفهوم شخصیت حقوقی در حقوق تجارت میتوان حدود مسئولیت او را در مقابل سهامدار با مقایسه

مسئولیت وکیل در برابر موکل تعیین نمود زیرا در ماده ۶۶۷ قانون مدنی سوء استفاده از اختیارات برای وکیل منع شده و در ماده ۶۶۸ قانون مذکور بوی تکلیف شده که حساب مدت وکالت خود را بموکل داده و آنچه که بعوض وی در یافت نموده مسترد دارد.

بنظر میرسد، ضمانت اجرای سوق استفاده از اختیارات مدیران و دست اندرکاران شرکت،

در غیر موارد پیش بینی شده در ماده ۱۴۳ و ۱۵۴ قانون تجارت، عبارت از بطلان تصمیمات متخذه در مراجع قضائی است مشروط بر اینکه موازین حسن نیت و منافع جمع در تعیین حدود اختیارات و تجاوز از آن در نظر گرفته شود.

در حقوق تجارت ایران مواردی برای حمایت اشخاص ثالث پیش بینی شده بعبارت دیگر هر نوع معامله مدیر یا مدیران موکول با اجازه هیئت مدیره است و اگر معاملات مذکور در

مجمع عادی مورد تصویب قرار نگیرد در مقابل اشخاص ثالث معتبر میباشد.

بطوریکه در مطالعه تطبیقی ملاحظه شد دکتین و رویه قضائی نقش مهمی را در تکمیل خلاء قوانین راجع به جلوگیری از سوء استفاده از اختیارات و مشاغل را بعهده داشته اند با در نظر گرفتن وضع خاص شرکتهای سهامی و اهمیت اقتصادی آنها در ایران ضروری بنظر



میرسد که قوانین و مقررات مربوط بمنظور رفع نکات مبهم مورد تجزیه و تحلیل بیشتر

قرار گیرد تا اعتماد مردم ب سرمایه گذاری جلب و رونق اقتصادی در کشور فراهم گردد.

#### منابع:

۸۸) غالباً حالات حقوقی فقط در ظاهراً مرموعودیت دارند که برخلاف حقیقت قانونی

میباشند مثلاً شخصی بنا به اعتقاد افراد محیط اجتماعی خو دارای حق و یا شغلی است در

حالیکه قانوناً فاقد آن میباشد بنابراین اگر شخص ثالثی بر مبنای اعتقاد به ظاهر امر با حسن

نیت قراردادی ببندد بایستی از آن حق حمایت گردد و این برخلاف اصلی است که

شخصی نمیتواند حقی را که دارا نیست بدیگری انتقال دهد.

۹۰) قراردادی که بین دو نفر تنظیم شده نفع و ضروری بدیگران ندارد ( اصل نسبی بودن

قراردادها).

۹۳) چنین تاسیستی در حقوق تجارت ایران وجود ندارد که تاجر بتواند در صورت توقف از پرداخت دیون خود با کمک ناظر قضائی اموال خود را اداره کرده و قرارداد توافقی با طلبکاران انعقاد نماید.

۹۵) تصویبنامه مذکور با ماده ۱۰۰۲ قانونی مدنی ایران مغایر ماده اخیر میگوید: اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز امور او باشد مرکز او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.

۹۶) بشماره ۶۰ مراجعه فرمایند.

۹۹) حق شفعه در حقوق فرانسه عبارت از حقی است که در مواردی با ادارات دولتی و یا موسسات خصوصی مامور انجام خدمات عمومی شناخته شده تا بموجب آن مالکیت مالی را هنگام انتقال بشخص دیگری مرحجا کسب نمایند ( با ماده ۸۰۸ قانون مدنی ایران از نظر جهان افتراق مقایسه فرمایند.

۱۰۲) در اینمورد باماده ۲۱۶ قانون مدنی ایران مقایسه شود.

نویسنده : دکتر محمود عرفانی